

اُمید

در امریکانز
\$1.50

مقتدانه مردم افغانستان

شماره دوازدهم / سال سی و دوم / اول حمل ۱۴۰۳ / ۲۱ مارچ ۲۰۲۴ / شماره مسلسل ۱۱۱۶

شد سال نو و بهار از ره نرسید

نوروز ۱۴۰۳، این یادگار نیاکان بزرگمان را به ملت دردمند و سوگوار افغانستان و هم وطنان داخل و خارج تهنیت می گوئیم .

افغان مینی مارکیت عرضه کننده انواع مواد خوراکی و وطنی

یگانه مغازه افغانی در منطقه واشنگتن بزرگ

که تازه ترین موادخوراکی، میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، و گوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم می کند

6566 Backlick Rd Springfield, VA
22150
Tel: 703-644-0186 Cell: 703-499-3313

الحاج امان الملک جلاله باباجان سپرنگفیلد، ورجینیا

تبریکی سال نو ۱۴۰۳

مقدم بهار را گرامی بداریم

هرچند از سال های گذشته کدام خاطره فرحت بخش یاتسکین کننده یا خبر خوش و مطمئن نصیب ما نگردید، ولی نوروز و سال و بهار نو را از خداوند سال پراز امید و اطمینان، پر از صلح و امنیت و همبستگی و سازگاری تقاضای نمایم.

حمد و سپاس مر خدای راست که آسمان به این فراخی را آفرید و به نور ستارگان مزین و منور و به پرتو آفتاب جهانتاب و درخشان گردانید.

و خالقی که زمین را کروی آفرید تا با رقصیدن به دور خویش شب و روز را رقم بزند، و دامن کشان با دوره زدن مانند حلقه آن ملی ما افغان هابه دور خورشید ماه و سال را تنظیم، و در هر دوره سه ماهه با تبدیل نمودن لباس مختلف چهار فصل متنوع و پرمفعت بهار، تابستان، خزان، زمستان رابه نمایش بکشاند، تا کمال و قدرت و نشانه های عظمت و جلال خود رابه کائنات به رخ مخلوقاتش عیان ساخته باشد .

الحق هر کدام این مزایا و عنایات، تحولات و تبدلات، عطیات و مکافات پروردگار قابل پند و عبرت، لایق قدر و ستایش و سزاوار تعظیم و تسلیم برای ما مخلوقات به شمار می آید، تا باین امتحانات و آزمون به رفع مشاکل و معضلات خود بپردازیم و به سوی فلاح و رستگاری گام به پیش نهیم و شکر خالق را به جا آوریم .

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کار اند

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار

شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

با همیاری با همین کاروان زمان و امرار ایام و چرخش ماه و سال انسان های آگاه و خردمند هر لحظه آن را غنیمت شمرده با سازگاری با فصول و طبیعت، تقسیم اوقات زندگی خود را عیار ساخته، از امکانات این موهبت های بی شمار الهی، مراسم و پروگرام های لازم تهیه و تنظیم و با درخواست و دعوت از هموعان و هموطنان با اشتراک دسته جمعی در جشن و سرور و برگزاری محافل خوشی و شادمانی، دوستی و محبت، همبستگی و مؤدت، اشرافیت انسانی خود رابه ثبوت برسانند، و خاطره ها و یادگارهای لذت بخش و فراموش ناشدنی، رسوم و عنعنات ملی خود هارا برای نسول آینده زنده و جاودان به ارمغان بگذارند .

برگ درختان سبز در نظر هوشیار

هرورقش دفتر است معرفت کردگار

روزبهار است و خیزتابه تماشاروم

تکیه بر ایام نیست تا دگر آید بهار

باید ایقان و ایمان محکم داشته باشیم که خالقی دارد با عظمت و جلال، باید در هر نوع حال و احوال، نشیب و فراز زندگی در زیر سایه رحمت او پناه جسته، سر تسلیم و تعظیم بر زمین نهیم، شکرش رایجا آریم تا از مقربان گردیم. آمین /

هم یک حد و اندازه دارد.

آیا در طول تاریخ خصوصا در دوران حاکمیت پشتونها/افغان ها رهبران ویا نخبه گان تاجیک؛ کدام گروه و یا قومی را به کوچ اجباری سوق داده اند؟

مگر در این مدت آیا تاجیک ها به تجاوز و اشغالگری و غضب زمین های دیگران دست زده اند؟

آیا در تاریخ کسی به یاد دارد تاجیکان به عزت و ناموس مردم تجاوز کرده باشند و یا هم کشتار جمعی را سازمان دهی کرده باشند؟ فرهنگ انفجار؛ انتحار و حشت و(دنباله در ستون سوم)

مقدم نوروز شاد و خجسته باد !

چو خورشید تابان میان هوا

نشسته بر او شاه فرمانروا

جهان انجمن شد بر تخت او

شگفتی فرو مانده از بخت او

به جمشید بر گوهر افشاندند

مر آن روز را «روز نو» خواندند

سر سال نو هر مز فرودین

برآسوده از رنج روی زمین

بزرگان به شادی بیاراستند

می و جام و رامشگران خواستند

چنین جشن فرخ از آن روزگار

به ما ماند از آن خسروان یادگار

حکیم فردوسی بزرگ

عطا صفوی

نبیل: «نخبگان پشتون و تاجیک

باید معذرت بخواهند»؟!

هفته جاری آقای رحمت الله نبیل رییس استخبارات پیشین

رژیم جمهوریت قبیلوی در یک پروگرام تلویزیونی حاضر شد و به مثابه یک پشتون (افغان) معذرت خواست ... اگر در این معذرت خواهی به مثابه یک فرد کار کشته سیاسی و استخباراتی بخش هیله گرانه اش را مجزا بدانیم و فرض بر این بوده باشد و تصور کنیم که وی برای خویش شخصیت کاذب نمی ترانند و اهداف دیگری در سر ندارند، در حقیقت کار خوب انسانی و اخلاقی در زمینه انجام داده است و باید چنین کند. ولی زمانیکه ایشان می آید این سخن پهلو دار را در این مصاحبه تلویزیونی، گند بجا مانده تاریخی خویش را اینطور بیان میکنند: «رهبران و نخبگان سیاسی پشتون و تاجیک نیز باید معذرت بخواهند...» در حقیقت ما را (تاجیک ها) را هم قاطی و یا شریک جنایت خود میدانند.

صادقانه باید بگویم حرف جالب معاون وزیر اطلاعات فرهنگ دوران کرزی افتادم که گفته بود «بگیرش که نگیرش».

اینکه آقای نبیل چه خوابی دیده دقیقا نمیدانم ولی نهایت شرم آور و حتی پر رویی از اینهم نمیشود، زمین خانه و کاشانه را اشغال کرده اید و مردمان اش را در اسارت گرفته اید... حالا کدام وجدان انسانی حکم میکند که تاجیک ها باید معذرت بخواهند؟

معلوم نیست آقای نبیل با چه منطقی انسانی جنایت ۳۰۰ ساله که از طرف حکام قوم و تبار افغان صورت گرفته است که منطقه و جهان از آن باخبر است؛ من تاجیک را هم شریک جرم و جنایت میدانند که باید از کسی معذرت بخواهم؟ البته ما هم ادعای فرشته بودن را نداریم. اگر هدف شان آن چند دانه مزدور نا عاقبت اش شکم پرست تاجیک در بیست سال گذشته بوده باشد که خود را رهبر خوانده بودند این افراد بی ماهیت هیچگاهی حاکم نبوده اند، این مزدوری دربار نصیب دیگران هم میشود؛ ولی هیچگاهی در حاکمیت مطرح نبوده اند. اما نخبگان سیاسی تاجیک و در مجموع تاجیکان در طول تاریخ خصوصا سه صده اخیر بقول معروف «تاجیکان سیری نخورده اند که دهن شان بوی بدهد» یعنی در حقیقت هیچ تاجیکی نه آبی و نه هم خاکی را فروخته و نه هم هیچ نخبه تاجیکی برای کسب قدرت این سرزمین را به باطلاق بدبختی تبدیل کرده است. زیرا در حاکمیت هژمونی قبیلوی شامل نبودند.

این آقا باید بداند و اگر نمیداند بهتر است تاریخ ننگین حکام تبار خویش را ورق بزند تا از جنایت های بیشمار شان اندکی آگاه شوند و اخلاقا نباید دیگران را هم شامل این تاریخ ننگین نمایند و این دیده در آبی(دنباله در پایین ستون اول)

گریز اجباری

ماجرای دو مهاجر افغانستانی

نگارش محمد

افضل ناصری

را علاقمندان

از امزون به

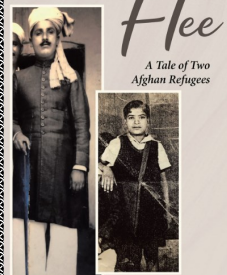
دست آورده

می توانند.

Amazon.com

amazon

Forced to Flee



Afzal Nasiri

دهشت که از خود زمین سوخته و هزاران یتیم و بیچاره بجا مانده است؛ آیا فرهنگ و مدنیت تاجیک ها است که میلیون ها انسان کشته شد دیروز و امروز و آواره شدند؟

مگر انتقال ناقلین به شمال کشور؛ تجاوز به ناموس مردم در شمال و شمالی... تحمیل افغان و افغانیت؛ تغییر نام کشور. نام پول... کار نخبگان تاجیک است؟

مگر گاهی شده است که تاجیک ها این جنایت را مرتکب شده باشند که هویت خویش را را به زور و حيله و نیرنگ به افغان ها تحمیل کرده باشند تا تاجیک شوند؟ آیا کدام تاجیکی در این دوره تاریخی به قندهار، خوست، هلمند و پکتیا... ناقلین را جابجا کرده بودند و یا حمله ور شده اند؟

پاسخ اینهمه پرسش ها قطعا و بدون اگر مگرها خیر است؛ زیرا تاجیکان در این جنایت سهم نبودند و نیستند که معذرت بخواهند و این افغانها/پشتون ها است از سنگ و چوب این سرزمین که حرمت نان و نمک را بجا نیاورده اند نمکدان را شکستانند باید از خراسان یا فغانستان موجود تا هند... معذرت بخواهند. این شباهت به دزدی دارد که خود خانه را دزدیده و همزمان فریاد میکشد. بدون هیچ تردیدی از من تاجیک که صاحبان اصلی این سرزمین هستند و افغان همه چیز را به گند کشیده اید باید معذرت بخواهند.

آقای نبیل ظاهرا انسان حلیم؛ بردبار، عاری از تعصب و گویا ملی گرا معلوم میشود و میخواهد سخنان خویش را خیلی زیرکانه و با مهارت به شنونده برساند که گویا قلب پاکی دارد و عاری از تعصب... است، ولی در باطن خیلی با حيله و مهارت استخباراتی با یک تیر می خواهد چند هدف را نشان بگیرد و شکار کند و این سیاست حيله را از نیاکان خویش به ارث برده است.

جالب اینکه وقتی در مورد شکل نظام و خصوصا فدرالیزم و یا هم جبهه مقاومت پرسیان میشود؛ فوراً زبان اش کلالت میکند و خرش لنگ میشود و موضوع را به آینده های نامعلومی پرتاپ میکند و طفره می رود و در پی داستان های کهنه می رود که هدف اش معلوم است....

در عقب اینهمه ملیگرایی های افغانی و ترفندهای زنگزده ممکن است بیرونی ها در بازبهای بعدی وعده برایش داده باشند و این از احتمال هم بدور نیست.

بگفته حافظ بزرگوار:

چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست

سخن شناس نه بی جان من خطا اینجاست

(فیسبوک نویسنده)

شیخ اجل سعدی شیرازی

ای دل

ای دل ترا ندای مرگ هم شنیدنیست

صبح اجل ز مطلع عمرت دمیدنیست

بر تخت ناز و بالش ابریشمین مناز

زیرا کزین جهان تو بکلی بریدنیست

ای دل مکن گنه که به تحقیق مردنست

اعمال نیک کن که قیامت رسیدنیست

چون کل نفس ذایقه الموت حکم شد

میدان یقین که شربت مرگت چشیدنیست

غره مشو برین گل و بستان زنده گی

باد خزان برین گل و بستان دمیدنیست

چون حضرت رسول خدا (ص) در جهان نمازد

کس را چی اعتماد به نابود بودنیست

سعدی درین قفس کی توان داشت مرغ را

روزی قفس شکسته و مرغش پریدنیست

زن در شاهنامه

این مقاله از نوار صحبتی که آقای داکتر سید مخدوم رهین، وزیر پیشین اطلاعات و فرهنگ، به مناسبت ۸ مارچ با آقای حامدضرابی گرداننده برنامه سیاست افغانستان داشتند تهیه شده است:

این گفتار رابه مناسبت روز جهانی زن به زنان ودختران باشاهت هم میهنم تقدیم می دارم .

شاهنامه سند پرافتخار هویت ملی ماست که روایت حیات ملی ماراتاعصر اساطیر وحماسه های کهن می رساند. قابل توجه است که حوادث ورویداد های عصراساطیر که مایه اصلی حماسه های کهن مارامی سازد و ماجرا های زندگی قهرمانان و رجال شاهنامه در سرزمین کنونی ماروی داده وقهرمانان آن حماسه ها فرزندان همین مرز و بوم بوده اند. صحنه های اغلب رویداد های حماسی در شاهنامه، بلخ و زابلستان و سمنگان و کابل وساحل آمو بوده است .

و اما درباره زنان شاهنامه باید گفت که آنان در وفاداری و صبوری و تحمل رنج های بزرگ، وهوشیاری وتدبیر آینی بوده اند. ازجمله این زنان تهمنینه بود دختر فرمانروای سمنگان، دیدار او بارستم زابلی هنگامی صورت گرفت که رستم در جستجوی رخس (اسپ رستم) به سمنگان رفت وبزرگان سمنگان ازو پذیرایی کردند وشب را در کاخ شاه بسر برد. نیمه شب با صدای پایی از خواب بیدار شد ودید که دختری بسیار زیبا که دونفر ندیمه مشعل بدست به دنبال اومی آیتد، به رستم نزدیک میشود. شیرمرد زابلستانی با دیدن آن همه زیبایی به حیرت افتاد:

برو رستم شیردل خیره ماند

برو بر جهان آفرین را بخواند
رستم دلیل آمدن او راجویا شد. دختر جواب داد که من تهمنینه هستم، شاهدخت سمنگان. نام ترا، قهرمانی ترا و جهان پهلوان بودنت را که شنیدم دل به تو دادم.

بسی داستان ها شنیدم ز تو

ودلیل آمدنش را بیان داشت:

یکی این که بر تو چنین گشته ام

خرد را ز بهر هوی کشته ام

دو دیگر که از تو مگر کردگار

نشاند یکی کودکم در کنار

مگر چون تو باشد به نیروی و زور

سپهرش دهد بهره کیوان وهور
آن شب رستم وتهمنینه باهم بودند وطرح ازدواج ریختند. سحرگاه که رستم آماده بازگشت به زابلستان شد، مهره بی به تهمنینه داد که اگر دختری ازین وصلت به دنیا آمد به گیسویش بند و اگر پرسی آید به بازویش .

میوه این ازدواج ووصلت پرسی بود که نامش را سهراب گذاشتند. او جوان شد ومانند پدر پهلوانی نیرومند وشجاع . افراسیاب که دشمن سرسخت ایران زمین یا آریانا بود وبرسمنگان مستولی شده بود، با شنیدن آوازه دلیری و جنگاوری سهراب شاد شد که چنین مردی رستم را درنبرد مغلوب خواهد کرد. تورانیان که آریاییان صحراگرد بودند، برخلاف ایرانیان یعنی اهل آریانا، از نظر تمدن وحیات مدنی عقب مانده بودند.

باید تصریح کنم که ایران شاهنامه سرزمین پهناوری بود که از بغداد تا مرز چین واز رود جیحون یا آمو تا دریای سند رادریب می گرفت وافغانستان امروز درشرق وایران امروز درغرب آن بخش هایی اند از آن مرز و بوم وسیع.

باری نبرد سهمگینی میان ایران و توران روی داد. از جانب ایران جهان پهلوان رستم زابلی و از جانب توران سهراب قهرمان نوحاسته در راس سپاه بودند.

افراسیاب اکیداً دستور داده بود که سهراب نباید بداند که رستم درین صحنه حضور دارد، چرا که اگر پدر و پسر همدیگر را شناختند، وضع ما زار می شود.

آن سوی سهراب که نام پدرش را از مادر شنیده بود از همه کس سراغ رستم رامی گرفت وجواب یأس می شنید، تا در آوردگاه (میدان جنگ) باهم روبرو گشتند. با دیدن رستم که به نیرداو آمده بود پرسید که تورستم هستی؟ او جواب منفی داد وگفت من صرف یکی از پهلوانانم .

عاقبت در جنگ تن به تن، رستم خنجر جان شکارش را در جگر گاه سهراب فروبرد . پهلوان جوان برخاک افتاد، اما پیش از آن که بمیرد به رستم گفت:

کنون گرتو در آب ماهی شوی

ویا چون شب اندر سیاهی شوی

ویا چون ستاره شوی بر سپهر

ببری ز روی زمین پاک مهر

سر انجام خواهد پدر کین من

چو بیند که خاک است بالین من

ازین نامداران و گردنکشان

کسی هم برد سوی رستم نشان

که سهراب کشته ست وافکنده خوار

ترا کرد خواهد همی خواستار

جهان در چشم رستم تیره و تار شد. از پا افتاد و از هوش رفت. چون به حال آمد:

پرسید از آن پس که آمد بهوش

بدوگفت با ناله و با خروش

بگو تا چه داری ز رستم نشان

که کم بادنامش ز گردنکشان

که رستم منم کم نماناد نام

نشیناد در ماتم پور سام

بدوگفت گرایدون رستم تویی

بکشتی مرا خیره از بدخویی

زهر گونه یی بودمت رهنمای

نخبنید یک ذره مهرت ز جای

چویرخواست آواز کوس از درم

بیامد پر از خون دو رخ مادرم

همی جانش از رفتن من بخت

یکی مهره بر بازوی من بیست

مرا گفت کین از پدر یادگار

بدار و ببین تا کی آید به کار

کنون کارگر شد که بیکار گشت

پسر پیش چشم پدر خوار گشت

سخن ما درباره تهمنینه بود، مادری که فرزند نوجوانش را بدست شوهر کشته دید:

چو مادر خبر شد که سهراب گرد

به تیغ پدر خسته گشت و بمرد

خروشید و جوشید و جامه درید

به زاری بر آن کودک نارسید

همی گفت ای جان مادر کنون

کجایی سرشته به خاک وبخون

ز هرسو برو انجمن گشت خلق

کزان گریه در خون همی گشت غرق

این بانو پس از غرقه بخون شدن سهراب به دست پدر، روز

وشب از گریه و مویه نیاسود و یک سال پس کشته شدن فرزند،

باجهانی درد و داغ در دامان خاک خفت .

به روزوبه شب مویه کرد وگریست

پس از مرگ سهراب سالی بزیست

* * * *

نخستین دژ نظامی ایران زمین به نام سپید دژ در مرز ایران و توران قرار داشت و سهراب پیش از رویارویی اش با رستم، حمله برین حصار نظامی کرد و برای فتح آن هجوم آورد. نخستین پهلوانی که به جنگ سهراب رفت به آسانی مغلوب او شد وبه اسارت رفت. دیگر هیچ کس حاضر نشد که در برابر آن جنگجوی جوان ونیرومند به میدان رود.

درین حال دختر زیبایی به نام گرد آفرید جامعه جنگ در بر کرد و کلاه خود بر سر کشید وبه مصاف سهراب رفت. پس از لحظاتی پیکار سخت، عاقبت مغلوب شد وبر خاک افتاد. سهراب کلاه خود را از سر او برداشت وگیسوان سیاه او نمایان شد وسهراب محو زیبایی و شجاعت او گردید.

رها شد ز بند زره موی او

درفشان چو خورشید شد روی او

یکی بوستان بود اندر بهشت

به بالای او سرو دهقان نکشت

سهراب سخت دلباخته او شد. اما گرد آفرید گفت: اکنون

میان دولشکر ایستاده ام: (دنباله در صفحه هشت)

داکتر ضیا نظام

فیرفکس، ورجینیا

آینده سیاسی مبهم پاکستان

در تاریخ پرتلاطم پاکستان اوضاع هرگز به اندازه حالا بحرانی نبوده است. تحلیل گران باور دارند که این کشور با جمعیت بزرگ و قدرت هسته ای در لبه پرتگاه قرار دارد. وضعیت جاری نتیجه بازی حاکمان پاکستان با آتش و تروریست پروری است که عاقبت دامنش را فرا گرفت و به نحو دردناکی در حال شعله ور شدن است.

پاکستان با یکی از شدیدترین بحران های سیاسی، امنیتی و اقتصادی در تاریخ ۷۵ ساله اش مواجه است. این مشکلات ناشی از کم رنگی وحدت ملی، انحصار قدرت توسط جنرالان، ندادن فرصت به شکل گیری اداره ملکی استوار بر رای مردم و بازی با کارت افراط گرایی در سیاست خارجی است.

حاکمان پاکستان به هدف اعمال فشار بر افغانستان و هند، هزاران مدرسه را به آموزشگاه افراطیت مبدل کردند و از دهشت افگنی رسماً حمایت نمودند، طوریکه جوانان بسیاری از آن کشور به امراض تندروری و تفرقه های مذهبی آلوده شده اند. این سیاست دردسرهایی بسیاری به خصوص برای افغانستان در پی داشت و در عقیم کردن تلاش های مردم ما در ایجاد حکومت پایدار ملی و دموکراتیک موثر تمام گردید، اما هزینه کمرشکنی برای مردم پاکستان نیز در پی داشت. میلیون ها تن در سراسر پاکستان به ویروس بنیاد گرایی و دهشت افگنی آلوده شدند و به تدریج به نیروی بزرگ بازدارنده علیه هر گونه حرکت سازنده در سراسر آن کشور بدل گردیدند. اکنون دسترسی مردم پاکستان به خدمات از جمله تعلیم و کار به شدت کاهش یافته و کشور به اردوگاه عظیم گرسنه گان، بیکاران و بی سوادان بدل شده است.

انتخاباتی که اخیراً برگزار شد، نه تنها گرهی از معضلات پیچیده کشور نگشود، بلکه بحران سیاسی وعدم اعتماد ملی را تشدید کرد. نتایج انتخاباتی که آشکارا مهندسی شده بود و با تاخیر بسیار اعلام گردید، بازهم چیزی نبود که اردوی پاکستان می خواست. مردم به طور گسترده به مخالفان اداره نظامی و استخباراتی رای دادند و اعتراض ها در برابر تقلب و دست کاری آرا در سراسر کشور شنیده می شود. احزاب سیاسی و مذهبی بسیاری در این انتخابات سهم گرفتند و به دلیل تحریم حزب انصاف به رهبری عمران خان، بخش بزرگی از کاندیدان به شکل مستقل حضور یافتند. رقابت اصلی میان سه حزب مسلم لیگ به رهبری نواز شریف، حزب مردم به رهبری بلاول بوتو زرداری و کاندیدان مستقل منسوب به حزب انصاف بود که عمران خان رهبرشان زندانی است.

انتخابات در وضع متشنج و بی ثبات برگزار شد. دو روز قبل از انتخابات، این کشور شاهد حوادث خونین بود. دو انفجار تروریستی در ایالت بلوچستان جان بیش از ۲۵ نفر را گرفت و تعداد زیادی را زخمی کرد. ناآرامی و عملیات تروریستی در دیگر ایالات پاکستان به ویژه در ایالت خیبر پختون خوا نیز در آستانه انتخابات جریان داشت. بیش تر این حملات و ناآرامی ها به گروه طالبان پاکستانی نسبت داده می شود که نتیجه مستقیم طالب پروری جنرالان آن کشور برای تخریب افغانستان بوده است، اما غیر از تی تی پی، چندین گروه مسلح و حرکت اعتراضی غیرمسلحانه در سراسر این کشور جریان دارد که هر کدام چالشی جدی در برابر حاکمان خلق کرده است.

بی ثباتی و تشنج در پاکستان زمانی سرعت گرفت که بعد از سلب اعتماد مجلس ملی، رییس جمهور آن کشور مجلس ملی را در ماه اپریل ۲۰۲۲ منحل اعلام کرد و در نتیجه حکومت عمران خان که در آگست ۲۰۱۸ و به حمایت اردوی پاکستان شکل گرفته بود، فروپاشید. پس از آن رویارویی حزب انصاف عمران خان و حاکمان اردو و استخبارات در جاده ها کشیده شد. در یکی از گردهمایی های اعتراضی، به تاریخ ۳ نوامبر ۲۰۲۲، هنگامی که عمران خان در وزیر آباد پنجاب خطاب به حامیان سخنانی می کرد، مردی مسلح به سوی او شلیک کرد. عمران خان از آن حمله جان سالم به در برد و تنها از قسمت پازخمی شد؛ اما جنرال ها، حامیان سابق وحریفان کنونی، او را به زندان انداخته و به حبس اجازه شرکت در انتخابات ندادند.

محبوبیت عمران خان در آخرین سال حکومتش به دلیل افزایش تورم و کاهش رشد اقتصادی کم شده بود. این امر سبب شد که مخالفان برای برکناری او کمپین کنند و در این کار موفق شوند. عمران خان گفته است که او در اثر توطیه خارجی از قدرت برکنار شده است. اومدعیست که امریکا خواهان سقوط حکومتش بوده است.

رابطه عمران خان با اردو از آغاز ورودش به عرصه سیاست، در رسانه ها مطرح بوده است. گفته می شود که مسوولان استخبارات نظامی او را در رسیدن به حکومت یاری رسانده بودند و اردوی پاکستان برای ختنه کردن تلاش (دنباله در صفحه هشت)

Mail Weekly
12286 Ashmont Ct. # 202
Woodbridge, VA 22192 -7075 U.S.A.
Tel/Fax : (703) 491-6321
mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول: محمّد قوی کوشان

پروفسرداکتر ذبیح الله الترام گلبرت ، اریزونا دموکراسی یا دولت اسلامی در افغانستان

درافغانستان اگر به مسئلهٔ امکانات تطبیق رژیم دموکراتیک تعمق بعمل آید خواهیم دید که آماده بودن وطن مابه پیروی از یک سیستم دموکراتیک در حال حاضربعید ازامکان خواهد بود زیرا متأسفانه در عدهٔ ازافغانهاخصایل منفی و غیر دموکراتیک زیاد جمع شده است .تعدادی ازآنان افراد زورگو و خود خواه، لجوج وازخود راضی می باشند. در قاموس رویهٔ اجتماعی ملت ما کلمهٔ احترام به حقوق همدگر ازقلم مانده واگر کاملاً حذف نشده باشد به رنگ خیره و ناخوان ارقام یافته که به مشکل میتوان آنراخواند وازآن آموخت . بیائید از خانه شروع کنیم . درخانواده های تعداد زیادی ازما مع الاسف یک فضای استبدادی مستولیست .رویةٔ بزرگان درمقابل خوردسالان و از مردان در برابر زنان و از خشوها درمقابل عروسان و از انباق در مقابل انباق و کودکان شان درساموارد محبت آمیر نه بلکه زمخت میباشد .پیش آمد معلمین مکاتب در برابرشاگردان نیز درشت و نامهربان بملاحظه میرسد .آمرین دفاترنیز مادونان را دربعض موارد به نظرحقارت مینگردند .دکانداران اموال فاسد ومضر میفروشند . دررستورانتهاظافت مراعات نمیشود و اکثر کارکنان شان ملبس به رختهای چرک و چرب وجفت و چلپس آمیخته با جراثیم مصروف کار اند . علاف و بقال و خباز و قصاب از وزن میزنند . در بعض دواخانه ها ادویةٔ کهنه وتاریخ تیر شده ویا باتاریخ مقلوبٔ به کثرت بفروش میرسد . رانندگان اکثراً بدون داشتن اسناد قانونی عمل میکنندوبه مقررات ترافیکی احترام قابل نیستند وجان عابرین را بیجهت به مخاطره می اندازند . علاوتاتعدادی شان جلو عراده جات مسروقه را در دست دارندوبیا عراده جات دودزا فضارا زهر آگین میسازند وبعضی را به امراض تنفسی و سرطانی مبتلامیگردانند . بالای پیاده روهای سراسر شهر برخلاف قانون دکان و مغازه ساخته شده راه های عبور ومرور افراد را تنگ ساخته که مخصوصاً گشت و گزار انات را در بازارها و رفتن دختران را به مکاتب مشکل میسازد . تاکی دختران که از پیاده روهای پر ازدحام عبور میکنند به منظور حفاظت خود از تخلفات دور از اخلاق اوباشها دردستهای خود جوالدوز یا سوزن پرکار بگردانند .در تقریباً تمام محلات قسمتی از زمینهای دولتی غضب گردیده به منازل ود کاکین شخصی تبدیل شده اند .

معادن دولتی مخصوصاً احجار کربیمه به بیغمارفته وملکیتهای مالکین مستضعف را اقبویا بزور تصاحب کرده اند . عملیات متواتر پاک کاری شهرها توسط شاروالیها از کثافات غیر قابل تصور که معلول بی پرداختی عوام است جایی را نمیکبرد چون این نوع تخلفات درسراسر مملکت مسخر و مکرر است . سطح سواد چون بی اندازه پائین می باشد اشتراک مؤثر در عملیة انتخابات بقدر کافی عملی نیست! گیرم که دامن تقلبات عمدی نیز تا اندازهٔ ی بر چیده شده باشد که چنین نشده است .

مردم ما به نوبت ورعایت رون دگران وقعی نمیگذارند گرچه به گوشهای شان بارها برف شده که (به آسیا چون شدی پاس دار نوبت را) . دیشب دوستی از کابل تیلفونی بمن گفت که اخیراً به مجردیکه دروازه های ریاست پاسپورت باز گردید آنقدر هجوم مدهش طور کور کورانه آورده شد که منجر به زیرپا شدن وفوت یک طفل ودو خانم گردید .در چنین موارد باز خواست هم در زمینه محتمل نمی باشد . ببینید که با وجود سجایای فوق العاده نیکی که اکثریت مردم ما به آن متصف اند مصؤنبت بعض افراد درجامعهٔ مایی ارزش است . پس مرغ زندگی افغانها به چه امید درباغ دموکراسی آشیان بندد . فرض کنیم که مردم درست رفتار کنند بازهم سؤال باقی میماند که آیا کاندیدههای انتخاباتی قادرخواهند بود که گپ خودرا به سمع افراد جامعه برسانند که درشهرهای شلوغ ودر دهات و قصبات دوردست ومتعدد ومتفرق بسر می برند و تعدادی از آنهابه السنهٔ مختلف تکلم میکنند . اگر رساننده هم بتوانند آیا مستمعان کفایت دانستن و استفهام را دارند و آیا به مسایل حیاتی کشورآشنا میباشند که تذکرآترا اززبان کاندیدها بشنوندواستقبال یارد کنند .

بدبختانه بسیاری از دهنشینان ما که اکثریت افراد جامعه را تشکیل میدهند از آنچه که در وطن می گذرد آگاه نیستند وقادر نمی باشند که خطوط مشی داؤطلبان کرسیها راریگ شویی و حلاجی کرده وسپس به صداقت تام برای شان رأی دهند .حتی در داخل شهرها همچو کابل تکسی رانان و مغازه داران و دست فروشان و کراچی وانان و مزدور کاران و ساکنین طور عموم با الفبای سیاسی ناآشنا اند . در بعض نقاط مملکت یگان نفر حتی بانک نوت رانمی شناسد .در زندگی نسل جوان ماکه بیش از بزرگان راه های دشوار زندگی را می پیمایند.

کذب و ریاکاری و تعابن در بسیاری موارد رخنه وارد کرده و تعدادی از ایشان کمتر از بنجهٔ قانون می هراسند وقانون نیز ازاصلاح و مهار کردن شان انده مانده است . ازین رواولیای امور چارهٔ را جز از تطبیق احکام دین نمی بینند تا باشد ترس از خدا (ج) و روز محشرخاطئین را براه راست سوق دهد . این نوع تفکر به تیشهٔ طالبان دسته داده است .

در دولت اسلامی خالص عقیده برآنتست که تنها خداوند (ج) صلاحیت طرح قانون را دارد وآن قانون آسمانیست که در قرآن معظم درج گردیده است . طبق این باور کلام الله مجید بحیث قانون اساسی یک کشور اسلامی پنداشته شده و کم جای برای قانون تدوین یافتهٔ دست بشرباقی مانده است . به تأسی از اعتقاد امارت طالبی تطبیق قانون اساسی اسلامی از صلاحیت امیرالمؤمنین است که مذکور ازطرف مجمع علمای برگزیدهٔ کشوره به شکل عمری تعیین میگردد . عزل امیرالمؤمنین نیزازصلاحیت این مجمع علماء می باشد و اعضای این مجمع علماء از طرف سایر علمای مملکت انتخاب میگرددند . در چنین یک نظام جای برای احزاب سیاسی در نظرنیست . دولتهای اسلامی هم مانند کشورهای دموکراتیک اشکال مختلف بخوداختیار کرده اند .در جوار افغانستان دو کشورقراردارند که دولت‌های خودرا اسلامی نام نهانده اند که یکی جمهوریت اسلامی پاکستان است ودگرش نظام جمهوری اسلامی ایران . تا چه اندازه امارت طالبان باین دودولت اسلامی مشابهت یا مابینت دارد ازخلال سطور پائین قدری استفهام شده میتواند . پاکستان یک دولت فدرالی پارلمانی دارد مشتمل بر چهار ایالت (پنجاب، سند، بلوچستان وخیبرپشتونخوا) و دومنطقهٔ تحت مناقشه (جمو و کشمیر) و یک منطقهٔ اداری (گلگت- بلتستان) . دولت مرکب است ازقوه های اجرائیه، تقنینیه و قضائیه .رئیس دولت رئیس جمهور میباشد که اعزازی یا تشریفاتی بوده و اما قوای نظامی تحت فرمان وی قرار دارد .رئیس جمهورحق اجرای امور اداری دولت را ندارد و اساساً قوهٔ اجرائیةٔ بدست صدراعظم است که خود واعضای کابینه اش باید اعضای شورا باشند . رئیس جمهور که حتماً یک فرد مسلمان باشد توسط کالج انتخاب کنندگان (الکتورل کالج) تعیین میگردد . کالج انتخاب کنندگان مشتمل است بر (شورا) ، (سنا) و مجلس چهار ایالت که بطور دستجمعی رئیس دولت را برای پنج سال انتخاب میکنند .صدراعظم را- زن باشد یامرذ- پارلمان تعیین می نماید .مقرری صدراعظم بعدازتوشیح رئیس جمهورجامهٔ عمل میبوشد . مجلس پاکستان مشتمل بر ۳۴۲ وکیل است(۲۷۲ مرد و ۶۷زن)وده کرسی برای علمای دینی تخصیص داده شده است .سناتور ها که تعدادشان به صد تثبیت شده از طرف اسامبله های ایالتی بطورغیرمستقیم هریک برای مدت شش سال انتخاب میگردند و اسامبله های ایالتی را مردم ازاحزاب مختلف مملکت تعیین می کند . پس دیده میشود که درپاکستان قانون اساسی، انتخابات مردمی، احزاب مختلف وهم شرکت خانمها در روند انتخابات همگی جا دارند وبهین لحاظ است که دولت پاکستان را جمهوریت دموکراتیک نام نهاده اند و دولت همه شمولش پنداشته اند که در دنیا موردپذیرش رسمی قرار یافته است .

قوهٔ قضائیهٔ که دارای هفده قاضی(مردوزن) میباشد زیرائرقاضی القضاات (منصف اعظم)است که منظوری مقرری وی وسایرقضاات این دادگاه عالی به پیشنهادصدراعظم ازصلاحیت رئیس دولت می باشد .دورهٔ کار قاضی القضاات و شانزده قاضی دگر معین نیست و اماهریک به سن شصت و پنج سالگی به تقاعد سوق داده می شود .

نظام دولتی ایران را نظام جمهوری اسلامی ایران نام گذاری کرده اند که هم براحکام اسلامی استوار است وهم دارای قانون اساسی ساخت دست انسان می باشد که بدان موجب جمهوریت گفته می شود . در ایران در صدر دولت مقام معظم رهبری قراردارد که درعین زمان پیشوای مذهبی بوده وبه طور مادام العمر ازطرف مجلس خبرگان مقرر میگردد وهم عزل وی ازصلاحیت همین مجلس است . مجلس خبرگان دارای ۸۶ عضو است ودرهرهشت سال ازمیان روحانیون به آرای مردم تشکیل میشود .مقام معظم رهبری پیشوای مطلق العنان است که قوهٔ نظامی، تلویزیون دولتی، قوهٔ قضائی ومجلس خبرگان تحت اثر وی بوده وتنها اوصلاحیت نظارت از کاربرد قوه های تقنینی و اجرایی وقضایی واعلان جنگ را داردوهم انفاذ سیاستهای مهم اداری، اقتصادی، سیاسی وغیره نیزبه اجابت وی وابسته است . بعدازین مقام، نفردوم در کدردولتی ایران رئیس جمهور است که از اجراءات قوای اجرایی رسیدگی مینماید .قانون اساسی حکم میکند که رئیس جمهور باید یک شخص شیعه و رجل سیاسی (رجل به معنی مرد) باشد . لذا پیروان مذهب تسنن یا یهودی وغیره رئیس جمهورشده نمیتوانند و زن نیزنمیتوانند رئیس جمهورشود و اما کرسی معاونیت رئیس جمهور ویا وزارت را میتواند اشغال کند .

قبولی نامزدی برای ریاست جمهوری درقدم اول مشروط به موافقهٔ شورای نگهبان است . شورای نگهبان مشتمل بر دوازده نفرمی باشد که شش نفرآن ازمیان فقها ازطرف مقام رهبری مقرر میشوند وشش نفررا مجلس (یعنی پارلمان) تعیین میکنند .رئیس جمهورتوسط آرای مستقیم مردم برای چهارسال انتخاب میگرددو بازدرصورت مؤقتیت برای چهارسال دگر . در صورتیکه یک نامزد پنجاه فیصد جمع یک رأی آرای رأی دهندگان را بدست نیاورد، توصل به رأیگیری دورهٔ دوم بین دو کاندیدبرنده آرای بیشتر صورت گرفته و این مرتبه فردی که اکثریت آرا را بدست آورد بعد از موافقهٔ مقام رهبری و بدست آوردن رأی اعتماد ازمجلس شورای اسلامی (پارلمان) و ایراد حلف وفاداری بحیث رئیس جمهورشناخته می شود .مقام رهبری صلاحیت دارد رئیس جمهور را بر طرف کند .

مجلس شورای اسلامی شامل دوصد و نود عضو ازطبقات اناث وذکورمیباشد که به وسیلهٔ آرای مستقیم مردم برای چهارسال انتخاب میگردند واما نامزداها باید واجد یک سلسله خصوصیات باشند منجمله داشتن سویهٔ تعلیمی فوق لیسانس یا معادل آنست و دیگرآنکه نامزدی شان قبل ازانتخابات ازطرف شورای نگهبان منظور شده و سن شان کمتر ازسی و متجاوز ازهفتادوپنج سال نباشد وصحت خوب داشته باشند . در ضمن پنج کرسی برای اقلیت های مذهبی محفوظ است .مجلس رئیس و معاونینش را برای یکسال انتخاب می نماید .طرح قوانین وظیفهٔ این مجلس است .

قوهٔ قضائیه متشکل است ازدیوان عالی قضا ویکتعداد محاکم که تحت ادارهٔ قاضی القضاات اداره میگردند . قاضی القضاات را که باید یک مجتهد عادل باشد مقام رهبری برای دورهٔ پنج سال (دو مرتبه) تعیین میکند . وزیرعدلیه به اثر پیشنهاد قاضی القضاات به رئیس جمهور مقرر می شود .

حالا ببینیم که شکل دولت درکشور عزیزما ازچه قراراست و شباهت و اختلاف عمدهٔ آن با دو دولت اسلامی پاکستان و ایران کدام اند . طالبان دولت را امارت اسلامی افغانستان نام نهاده اند . در رأس دولت امیرالمؤمنین قرار دارد که بایددر میان فقها و علماء و روحانیون بلندترین سویهٔ دانش را در مسایل شرعی داشته باشد . فعلاًجناب هبت الله آخوندزاده که ملا، مولوی و شیخ الحدیث میباشد کرسی رهبری را دراختیاردارد . اواز طرف شورای علماء که تعداد اعضای آن به بیست وچهارنفر میرسد وهمه از ولایت قندهارمیباشند طور عمری انتخاب میگردد . اعضای شورای علماء را امیرالمؤمنین تعیین می کند .اودو معاون دارد که هریک را برای یک مدت نامعلوم تعیین می نماید که درحالات غیابت یا از کار ماندن وی وظایف مشارالیه راانجام دهند . امیرالمؤمنین اختیاردارتمام دولت بوده عزل و نصب صدراعظم و وزراء ، قضاات و جنرالهای عسکری و والیان ولایات ازصلاحیتهایش میباشد . علاوتاً اومیتواند قوانین را منسوخ یا نافذاعلام کند . موصوف در کنارخود یک شورای مشورتی شامل چهارپا شش نفر دارد که ویرادر موضوعات امنیتی و مقرری های ارکان عالیرتبهٔ عسکری و کشوری و مسایل دینی و بین المللی مشورت می دهند . صلاح شان قاطع و نهایی میباشد . یک ادارهٔ دگر نیزدرچوکات دولت جاداردباعنوان ریاست عمومی دارالافتاء مرکزی که وظیفهٔ اصلی آن اصدار فتوی درمسایل دینی میباشد . آمر این دستگاه را امیرالمؤمنین مقرر مینماید و اعضای آن یک دسته علماء می باشند و عوام و ادارات می توانند در مسایل شرعی از آنها استفتاء کنند .

صدراعظم رئیس حکومت است که ازطرف امیرالمؤمنین برای مدت نا معلومی مقررمیشود که یکجا با اعضای کابینه از اموراتداری کشور رسیدگی می نماید . نصب وعزل وی وهرردو معاونش درحیطهٔ صلاحیت امیرالمؤمنین است . امیر المؤمنین همچنان رئیس و اعضای برجستهٔ قوهٔ قضائی وشورای علمای ولایتی را تعیین می نماید .شورای علمای ولایتی مرکب از پانزده الی بیست وچهار فرد انتصابی است که ازمیان علماء و ریشسفیدان انتخاب می گردند و وظیفهٔ نظارت اجراءات والیان را داشته و بر محک احکام شرعی اجراءات ایشان را ارزیابی می نماید .

در امارت طالبی قرآن مجید و احادیث مبارک نبوی قانون اساسی را تشکیل میدهند .لهذا کدام قانون اساسی ساخت دست انسان وجود ندارد .ازین سبب افغانستان یک کشور جمهوری نیست و از آنجاییکه تعیین اراکین بلند پایهٔ دولتی به اساس انتخابات آزاد افراد جامعه صورت نمی پذیرد و تمام حقوق مدنی اتباع در کدام قانون اساسی داخل نیست و خانمها حق اداره یا مساهمت درادارهٔ دولت را ندارند، یک کشور دموکراتیک نیز گفته نمی شود و بنابراین شکل دولت امارت طالبی بادولتهای اسلامی نام نهادپاکستان وایران تفاوت فاحش دارد واین تفاوت باپاکستان بامقایسه باایران بیشتر است . (دنباله درصفحهٔ ششم)

انجنیر عبدالصبور فروزان نیوجرسی
تاراج زغالسنگ توسط طالبان فاجعه ی الم انگیز برای وطن و مردم (۳)
پیوست به شمارهٔ پیش: دراین گزارش ازمحمدلطیف که معلم ریاضی دریکی از مکاتب بود نیزیادآوری شده است. اومیگوید:باآمدن طالبان دروازه های مکاتب بسته شد ومعاش مامعلمین قطع گردید، من چارهٔ جزاین نداشتم که در معدن کار کنم ونفقهٔ فامیلم را تهیه نمایم. زندگی بسیارخراب شد وخرج وخوراکی نماند. اگر ایران بروم دوباره ردمرز میشوم واگرترکیه بروم دریحر غرق میگردم، راه دیگربرایم نماند جزاینکه به معدن کارکنم وگرنه مه کجا و معدن زغالسنگ کجا!

اززمانی که طالبان قدرت راغصب کردند استخراج زغال سنگ درشمال به شکل سرسام آوری جریان داشته که درگذشته هرگزسابقه نداشت، وهمهٔ زغالسنگ به پاکستان انتقال داده میشود. جاوید جهاد یک انجنیرمعادن می گوید: قبل ازحکومت طالبان مردم چندان علاقه برای کاردرمعدن زغال نداشند وماسخت به قلت کارگر دچاربودیم، ولی باآمدن طالبان ففردامنگیر اکثریت فامیلها شد، مردم عایدخودرا ازدست دادند وباگرسنگی دست به گریبان اند، لذامجبور اند اطفال خودرا برای کاربه معادن روان کنندومقامات طالبان امر کرده اندکه اطفال پایین ترازهژده سال رایبشتر استخدام نماییم وخوبی اینکار این است که ازیکطرف آنها جثهٔ کوچک دارندکه به آسانی در درون تونلهای تنگ وتاریک معدن رفت وآدمیتوانند وازجانب دیگر انرژی بیشتردارند (ازسوی دیگرخوب وید روزگاررانی دانند ومعصوم اند. نگارنده). بناأ سطح استخراج زغال فوق العاده بلندرفته است.

درفقائین بین المللی کار وحقوق بشر استفاده ازاطفال و استخدام آنهابرای کار های شاقه جرم وجنایت شمرده میشود وکشورهایی راکه به چنین کاری می پردازند مورد تعقیب ومجازات قرار میدهند واین عمل بنام برده سازی اطفال یادمی شود. چنانچه اخیراً کانگرس به اکثریت قاطع توریید وخرید کوبالت را از کشور کانگو به نسبت آنکه آن کشوردرمعادن کوبالت ازاطفال استفاده مینمایند تحریم نمود.

پیش ازحکومت طالبان، اکثریت معادن زغال کشوریدست سر کرده های طالبان بود وایشان زغالسنگ رابه شکل قاچاق وغیرقانونی استخراج وبه پاکستان میفروختند. اکنون هم بعضی ازمعادن زغال هنوزم بدست عدهٔ از سرکردگان آنهاست که به شکل قاچاق به پاکستان فروخته میشود. این موضوع سبب تولید کشمکش هاو منازعات بین سران طالب شده وحتی منجر به برخوردهای خونین بین این قاچاقبران ووظفروشان شده است، چنانچه در سال ۲۰۲۲ ی طالبان حکومتی وافراد مهدی یکی ازسرکردگان قاچاقبران که ازجملهٔ قوماندانان طالبان درسرپل است، صورت گرفت وتعدادکنیری از دوجانب کشته و زخمی شدند.

رامین بهزاد از دفترین المللی کارمیگوید که طالبان بما میگویندکه مااز استخراج زغال توسط اطفال جلوگیری مینماییم ولی درعمل به اندازهٔ استفاده از اطفال دراستخراج زغال درافغانستان زیادشده که درهیچ مقطع زمانی ومکانی دیده نشده است. جالب این است که مایه چشم سر می بینیم که صدها طفل ۱۲تا۱۴سال درمعادن زغالسنگ توسط طالبان استخدام شده اند، باوجود آن هم طالبان ازاین کار انکار می نمایند.

۲- زغالسنگ افغانستان منبع انرژی برای صنعتی شدن کشوردرآینده میباشد. موجودیت ذخایر زغالسنگ یکی ازضروریات اولی صنعتی شدن کشوراست که انگیزه های احداث صنایع ثقیله از قبیل ذوب آهن وسایرفلزات وتولید ماشین آلات را بوجودمی آورد. چنانکه بعدازجنگ دوم جهانی آلمان به وطن ما علاقمندشد تادر صنعتی ساختن آن همکاری نماید. اولین کاری که نمودند هیئت جیولوجستان خودرا به افغانستان ارسال نمودند تامنابع ضروری انرژی را برای صنعتی ساختن سروی ومطالعه کنند، آنان منابع زغالسنگ رادر نقاط مختلف کشورنشانی وارزیابی نمودند ومعادن کرکر، آشپشته ودرهٔ صوف را برای استخراج آماده ساختند وبه تعقیب آن فابریکهٔ سمنت غوری، فابریکهٔ نساجی پلخمری، فابریکهٔ جن وپرس (روغن کشی) بغلان وفابریکهٔ نساجی گلبهار راکه درآسیا ممتاز وبی نظیربود احداث نمودند که انرژی مورد ضرورت آنهازمعادن قبل الذکر تهیه میشد. بهمین منوال زمانی که روس ها علاقمند کشورماشدند اولین کارآنها ارزیابی وسروی منابع انرژی کشور وذخایر نفت وگاز درشمال بود که طالبان اکنون آنرا به چین بدون درنظر داشت ارادهٔ مردم به فروش می رسانند وپول عایدآن رادر کیسهٔ خودمی اندازند.

طالبان بااین عمل خاینانهٔ شان ذخایرزغالسنگ وذخایرنفت کشوررا تهی می نمایند وظرفیت صنعتی شدن را درآینده بکلی محو ونابود مینمایند که درنتیجه کشورما درآینده نیزفاقد صنایع وتولیدات صنعتی، عقب مانده وحتی بدتر از حالت

فعلی خواهد ماند.

با استخراج غیرقانونی وغیرفنی زغالسنگ، سلسلهٔ تداوم طبقات زغال را متروک ومشکوک می سازند. تفاله های عظیم آلوده به زغال را ازخودباقی می مانند که دردسر ومشکل صحت وکاری برای نسلهای بعدی کشورمیباشد. محیط زیست وصحت عامه درآینده صدمات شدیدخواهد داشت.

۳-- انتقال زغالسنگ به پاکستان توسط طالبان مزدور در شرایط کنونی به آن سرعتی جریان دارد که درگذشته نه تنهادر افغانستان بلکه درهیچ کشورجهان دیده نشده وعکسهای حاصله از ستلایت ها قطارهای انتقال زغال رابه طول ده هامایل ثبت کرد که شب وروز درحرکت اند. این وضعیت به اندازهٔ وخیم است که سبب تشویش فعالیت بین المللی حمایه ازمحیط زیست وگرمای همگانی زمین شده سروسداهایی رادر کشورهای مختلف جهان ایجاد کرده، چه استفادهٔ زغالسنگ تاثیرمستقیم درخرابی محیط زیست وگرمای همگانی زمین می اندازد. حتی این حالت کشور چین راکه چشم طمع برای مکیدن خون مردم ما دارد، وارخطا ساخته وبه پاکستان اخطارداده تاازصدور ذخایرزغال سنگ افغانستان خودداری نماید زیرااین کشورمنابع زغالسنگ موجود در افغانستان رابرای ذوب معدن مس عینک لوگرکه دریک معاملهٔ خاینانه توسط حامدکرزی به آن کشورفروخته شده است، ضرورت دارد.

طالبان هرتن زغالسنگ رابه قیمت دوصد دالربه پاکستان می فروشددرحالی که دربازارکنونی نرخ فی تن سه صد الی چهار صد دالرمیباشد. قراررابورهای افشا شده، طالبان ماهانه بین ۸۰تا ۹۰ میلیون دالراز فروش زغال بدون اجازهٔ ملت به دست می آورند. این درحالی است که فقر وفاقه درکشور بیدادمیند، بیکاری و غربت به اوج رسیده، اشخاص متقاعد ازحقوق شان محروم شده اند، در شفاخانه ها ادویه حتی مواد سوخت برای گرم کردن نیست، مکاتب ودانشگاه هااکثر مسدوداند وافغانستان به حیث غریب ترین وبدبخت ترین کشورجهان معرفی شده واین درحالی است که طالبان زغالسنگ راکه مال یتیم ویتیمهای کشوروهستی و دارایی ملی مردم ماند میفروشندو پول آنرابرای تریهٔ غند های انتحاری شان وعیش ونوش خانواده هایشان در دویی، امارات عربی و پاکستان استفاده میکنند وبرای خاک زدن به چشم ملت چندسرک وجاده یا پروژهٔ راکه خودصدهابار آنهاراتخریب نموده بودند، اعمار ویامرمت میکنند!

۴- صنایع پاکستان ازدیدگاه انرژی دربحران شدیدی قراردرد، ذخایرزغال سنگ آن که درایالات سند، پنجاب و بلوچستان قراردارند، باوجوداینکه ذخایروسیع اند ولی همه ازنوع درجه پایین اند که شامل زغال نوع(لایت) و پاییتتر از Bituminus میباشد که مقدار کاربن موجوددرآن خیلی نازل ولی اندازهٔ خاکستر، سلفر ورطوبت درآن فوق العاده زیاداست و مقدار انرژی حاصله ازآن خیلی ها کم میباشد! این نوع زغال درصنایع وفولادسازی وثقیله استفاده شده نمی تواند وتنها میتوان ازآن درتولید برق استفاده نمود، آنهام با مصارف گزاف. بازدهی ناچیز، تاثیرات محیطی فوق العاده شدید ومواد فضله خیلی ها زیاد.

استخراج این نوع زغال نسبت وجودهایدروجن بسیارزیاد نهایت خطرناک است، اکثر کشورها تامجبور نباشند ترجیح میدهند تا ازاستخراج این نوع زغال خودداری کنند. زغال سنگ کشورما خوشبختانه ازنوع درجهٔ عالی بوده که درصنایع ثقیله ارزش بسزایی دارد. این نوع زغال به اندازهٔ درصنت اهمیت یافته که به آن لقب طلای سیاه داده اندواکثر کشورها آنرا فقط در امورصنایع استفاده میکنند وازصدورآن خودداری مینمایند.

ارزیابی های مسلکی توسط نهادهای اقتصادی بین المللی نشان میدهد که اگر زغالسنگ افغانستان نباشد چرخهای صنعتی پاکستان توقف میکندو بحران نرژی آنکشور شدیدترمیشود. زیرا دیگر کشورهای همسایهٔ پاکستان حاضر نیستندزغال خودرا به پاکستان بفروشند. صنایع پاکستان نه تنها به زغالسنگ ما بلکه به سایرمواد معدنی آن وابسته است که همه به شکل قاچاق وبه قیمت نازل ازطرف طالبان درپیش ازبیست سال به پاکستان تهیه می شد، چنانکه سراج الدین حقانی معدت کرومیتی که دربخش شرقی ولایت کنرموقعیت دارد، دربیست سال گذشته وهم اکنون دراختیار دارد وهمواره آنرا به پاکستان قاچاق می نمود.

یکی ازعوامل دلچسپی پاکستان درتمویل وتجهیزطالبان بخصوص گروه حقانی وشعله ورداشتن جنگ درافغانستان دربیست سال گذشته وابستگی صنایع آن به موادمعدنی وزغالسنگ آن بوده که بصورت قاچاق وبه پول ناچیزبه پاکستان می رفت. قرارگزارش های موسسات بین المللی، اقتصادمعادن طالبان سالانه به حجم پولی ۵ تا ۱۵میلیون دالرموادمعدنی افغانستان رابه پاکستان قاچاق مینمودند. اکنون باآمدن طالبان به قدرت، میزان انتقال مواد معدنی افغانستان به شکل قاچاق وغیرقاچاق که همه ازطریق سرکرده های طالبان صورت میگیردبه حدی رسیده که اکثرتحلیلگران اقتصاد موادمعدنی

خواجه محمدنعیم صدیق وود بریج، ورجینیا

مشایخ لوگر (۱۳)

صاحب زاده صاحب پُل عَلم رح

از رد و قبول دیگران باک ندارم

یک ذره قبول نظر یار مرا ده (صائب رح)

در دهلی مرکزیم قارهٔ هند بزرگترین شخصیت روحانی به نام حضرت محمد آفاق مجددی که مرجع عام وخاص بودند تشریف داشتند، که ازاکثرمناطق مسلمان نشین به آستان بوسی حضرت شان می شتافتند، منجمله حضرت عزیز احمد مجددی مشهور به پیرزاده صاحب پنجشیر والد بزرگوار حضرت شمس الحق آغا، کوهستانی. جناب صوفی صاحب ملا یارمحمد زبردست وملا عبدالکریم صاحب حصارک لوگر وجناب سیادت پناه میر عبدالقادر ازمحلّهٔ پیشین بلوچستان باشندهٔ قلعهٔ شادبخان لوگر از محضر حضرت محمدآفاق مجددی استفاده واستفاضه نموده همچو شتران نست از زیربارآزمونگاه طریقت برآمده، مراتب مختلف سلوک را طی وبه مقام ارشاد نایل گشته اند.

نیست ممکن راه شبنم را به رنگ و بو زدن

این کشش ازعالم بالاست مجذوب مرا (صائب)

ملا یارمحمد صاحبزاده، ملاالف خان صاحبزاده وملاخان

خانان صاحبزاده از احفاد خواجه بهاءالدین ملتانی می باشند که

سلسلهٔ نسب شان به حضرت سیدنا ابوبکرصدیق رضی الله عنه می انجامد. جناب صوفی زبردست(ملا یارمحمد) به تاریخ پنج ذی القعدة الحرام ۱۲۴۳ق دارفانی را وداع گفت. صوفی زبردست دربین مخلصین به لوی ملاصاحب مشهور بود.

صوفی زبردست فرزندان خودرا که هریک شان

بعدازوفات پدربزرگوار شان چراغ راه هدایت مسلمانان بسوی

حضرت ذات مقدس ارحم الراحمین بودند،مانندخودشان به علوم ظاهروباطن آشنا ساختند که اسمای مبارکشان ازین قرار است:

خواجه محمدمعصوم، خواجه نبی احمد، خواجه بشیراحمد، خواجه نثاراحمد، خواجه شیخ احمد، خواجه محمدآفاق و خواجه میاگل.محمد کرم صاحبزاده فرزندخواجه محمدمعصوم، درعلوم احکام وسلوک از والدبزرگوار شان مستفید و مستفیض گردیده و به درجات عالی ولایت واصل شده، صاحب جذبات و کرامات بود، ولی به قول حضرت بیدل رح (مُهر خموشی بر زبان زد) و به شکل مجذوب عرض وجود نمود .

جناب سالک مجذوب محمد کرم صاحبزاده فرزند قطب ارشال محمدمعصوم صاحبزاده متوفی ۱۳۰۱ق که مشهوربه صاحب زاده پُل علم است میباشد. ایشان خاموش نمدپوش و مرجع خواص زمان خود بود، واشخاصیکه ازمعارج ظاهری وباطنی بهره داشتنددر اطراف اودربازارپل علم حلقه میزدند ومجاذیب اطراف به روزهای پنجشنبه میآمدند ودر طراف وخاک نشین میشدند وبه سوی او می نگریستندومیگریستند، ازجمله مجذوب شوریده یی بنام محمدرسول مشهور به (للکی) که اصلا ازولسوالی چرخ بوده اکثر در ولسوالی برکی برک دیده میشد. (درین دوشانهٔ للکی علامهٔ بنجهٔ دست طور برجسته وجود داشت). هنگامی که از دربور لینی می خواست اورا به کابل ببرد و دربور از بردن او ابا می ورزید، زمانی که به کابل می رسید، للکی را در کابل می دید درحالی که هیچ موتری از او سبقت نمی کرد!

درمراسم تدفین خلیفه صاحب پللعلم(محمدکرم صاحبزاده) هزاران تن از مشایخ و علمای جید ولایت لوگر و ولایات همجوار حضور بهم رسانده بودند وهر طرف می نگریستی جامه های سفید مشایعین جلب توجه می نمود، من خودم شاهد این صحنه هستم .

حاجی کمال یکی ازموسفیدان برکی برک که ازاردتمندان سیدجان آغای جبل السراج بود، حکایت می کرد، در روزوفات صاحبزاده صاحب پلعلم در حالی که من از وفات او خیرنداشتم به خدمت سیدجان رفته بودم، ازمن پرسید:(صاحبزاده شه وو؟) من گفتم خوب بود، سیدجان گفت: (نه هغه ولار، هفته کی دننه زه هم واپسی روان). واقعا سیدجان آغا یک هفته بعداز صاحبزاده صاحب پلعلم وفات نمود.

از سیدجان آغا نام بردیم، بهتر است اشاراتی راجع به این شخصیت روحانی هم داشته باشیم: درصفحهٔ ۲۹ روحانی دایجست چاپ کراچی، اگست ۱۹۸۰م شیخ محمد زبیر راجع به سیدجان آغا چنین نگاشته است :

حضرت سیدجان آغا به صطلاح مسلمانان هندوستان (شاه صاحب) در کوه های افغانستان به خلوت نشسته بوده ریاضت می کشد. درویشی نزد وی آمد وگفت: به طرف واگی - واگی محله ایست در ناکپور هندوستان) برو، و به حضور سیدتاج الدین (تاج اولیا) مشرف شو، درآنجا همه چیز رامی یابی. بعد ازگفتن این جمله غایب شد. سیدجان آغا راه واگی را ازطریق کوهپایه های هندوکش درپیش گرفت، چون درآن دیار رسید وبحضور بابا صاحب (تاج اولیا)- متوفی ۱۳۴۲ق - (دنباله درصفحهٔ هفتم)

*پولیس بودن معنی حاکمیت ندارد؛ یعنی با سوء استفاده از موقعیت خود بزور بر مردم آرزوی خود را بر آورده نسازد.

*بر روان پولیس های که هنگام اجرای وظیفه جان سپرده استند درود میفرستیم و جایشان جنت برین باد.

*فامیل و باز ماندگان پولیس باید از هرنگاه مورد حمایت دولت قرار گرفته آنها باید خانه، وظیفه داشته و تریه اطفال شان به بهترین استاندارد مد نظر گرفته شود.

نوت: این بود نظر من، متخصصین امنیتی به یقین که گسترده تر و عمیق تر در زمینه کمک نموده میتوانند.

امور نظامی: قوای نظامی قوای است که از تمامیت ارضی و نوامیس ملی در مقابل متهاجمین و تروریست های خارجی دفاع نموده برای وصول امنیت با قوای پولیس از هیچ نوع خود گذری و قربانی دریغ نمیکند. اولین برخوردقوای عسکری منظم درسال ۱۹۱۹م با انگریز ها بود و دومین دفاع قوای نظامی افغانستان در عهد نجیب به مقابل قوای پاکستان به حمایت امریکا بود؛ یکی به استقلال افغانستان و دیگری به شکست فاحش پاکستان تمام شد.

در وقت صدارت شهید سردار داوود افغانستان با کمک شوروی صاحب قویترین قوای زمینی، هوایی و موتوریزه شد. که با ظهور کمونست ها تا حدی قویترگردید تاحدی که قوای مشترک پاکستان وامریکا را در جلال آباد شکست فاحش دادند. بعد از جهاد این قوا بدست مجاهدین افتاد و پرزیدنت استاد ربانی موقتا به حیث قوماندان اعلی نظام مسؤولیت داده شد. با تاسف که خوشباوری استاد، شیطنت کامنویلت انگلیس و سوء استفاده از اسلام، قوای نظامی افغانستان را در بعضی مناطق منحل ساخت ؛ ولی در کابل جایجا بود. بآنهم، چندی بعد صدر اعظم وقت پاکستان در پارلمان ضمن پرسش های جاندار و کلاء گفت:

«اردوی قوی افغانستان را منحل ساختم» از من دیگر چه میخواهید؟ در سال ۲۰۰۲م قوای امریکا با متحدان ناتو وارد افغانستان شدند و طی بیست سال قوای ۳۵۰ هزار نفری که تنها در روی کاغذ ادعا شده همه کنترل بدست خود امریکایی ها بود، داشت. در اثر یک توطئه قرن، طالب تروریست را با شعار یک «حکومت جدید اسلامی» که در تعهدات امریکا / طالب ذکر شده است بر اریکه قدرت کشور تکیه داد و تا حال که دو سال و چند ماه میگذرد نه از طرف مردم و نه از طرف جهان مشروعیت پیدا کرده است. بناء، نکات ذیل پیشنهاد میشود:

*افغانستان عزیز باید یک قوای منظم نظامی مدرن که شامل قوای زمینی، هوایی و موتوریزه مجهز با تکنولوژی عصر حاضر و با در نظر داشت پیشرفت های آینده، داشته باشد.

*وسایل حربی بیلونها دالر که امریکا برای طالب گذاشت برای چه منظور بود؟ چلی، ملا، داملا و مولوی که اکثرا سواد اساسی ندارند چگونه میتوانند از آنها استفاده نمایند.

*وسایل حربی که امریکابه طالب تروریست گذاشت در کجاست؟

*لیسه حربی و دانشگاه تعلیمات حربی دوباره افتتاح شود.

*مکتب عسکری احتیاط با دور تعلیمی شش ماه دوباره فعال شود.

*سیستم نظم و دوام عسکری تعریف شود؛ نوع اختیاری یا دوره یکساله خدمت عسکری؟

*افراد و افسران قوای نظامی باید به حلف وفاداری به اجرای وظیفه پابند باشد.

*آمرین وزارت دفاع ملی از وزیر تا افسران مقتدر اردو برای اینکه گریختند وازهجوم تروریستهابرکشور دفاع نکردند به محکمه علنی سوق شوندا تا«سیهروشودآنکه دراوغش باشد»واسراربر ملاگردد.

*از تعداد اصلی قوای نظامی افغانستان که میگویند ۳۵۰ هزار نبود معلومات صادقانه ارائه شود.

*ارزیابی سیگار در بارهٔ امور نظامی افغانستان جدی گرفته شود.

*موجودیت قوای انتحاری برای چیست؟

*مقاومت برای پیشبرد اهداف یک قوم نبوده فقط برای آزادی فردی، عدالت اجتماعی، مساوات و متفق ساختن و متحد نمودن همه اقوام به فعالیت های سیاسی و در صورت بی نتیجگی به تسلیحاتی دوام دهد.

نوت: این بود آنچه من به اساس تجربه کورس احتیاط حضور شما تقدیم کردم که بلا شبهه متخصصین و افسران داخل و خارج مرز افغانستان در گسترش این قسمت خدمت شایان کرده میتوانند.

روابط بین المللی: امروز افغانستان روابط رسمی بین المللی با جهان ندارد. تعاملات سیاسی رابطه سیاسی نیست. اضافه از دو نیم سال از هجوم طالبان بر افغانستان میگذرد ولی تاحال مشروعیت جهانی در ملل متحد و مردم افغانستان پیدا نکرده اند. مشروعیت نسبی شان توسط دولت ایران روی اوضاع دلخراش شرق وسطی و امکان انسان کشی ها ازطرف تشنگان خون بشرکه دیر یا زود آغاز خواهد شد صورت گرفته است. افغانستانی های مهاجر ایران در جنگ ایران و عراق فرستاده شده بود این روش باز امکان قوی دارد که تکرار شود. تجاوز بر حقوق بشری ملت و(دنباله درصفحهٔ ششم)

نوت: این بود آنچه در ذهنم خطور داشت. حل و تنظیم چنین خیانت به متخصصین فن ضرورت دارد که باید استخدام شوند وهم در بهبود اقتصاد تجارتنی که با **Consumer Price Index (CPI)**تکان دهنده است ارزیابی شود؛ اقدامات لازمه صورت گیرد.

فساد و فحشا: کشور های جهان همه فساد و فحشا دارند ولی به سویه نیست که بر امور دولرداری مؤثر واقع شود و شهیر جهان گردند. در کشور های که بر دموکراسی خود می نازند چنین افراد مفسد را که در فحشا پیچیده است جزا میدهند. در وقت کرسی افغانستان در درجه اول ده کشور مفسد جهان عرض اندام نمود (مفسدترین کشور و رئیس جمهور آن، <http://ariaye.com/dari13/siasi/dastgir.html>بعدها به درجه سوم در ده کشور مفسد ارتقا یافت. اشرف غنی نمره ۱۶۶ کشور مفسد گردید که صحیح نبود و صدر اعظم انگلستان دیفید کامیران افغانستان زمان غنی را با نایجیریا یکجا مفسدان فوق العاده نام داد.

Corruption Perception Score یا نمره / امتیاز ادراک فساد افغانستان در سال ۲۰۲۲م از ۱۰۰ فقط ۳۰ داشت ولی درسال ۲۰۲۳م به ۲۴ در ۱۰۰ نزول کرد. ارگ درزمان غنی به مرکزفحشاتبدیل شد. یکی ازاحمدزی های نزدیک اشرف غنی که سالها مشاورامنیتی او بود ارگ رامتهم به فسادگستردهٔ مالی و اخلاقی نموده گفته بود: [روابط جنسی در ارگ خرید و فروش میشود]:(۷ خرداد / جوزا ۱۳۹۸ ش، بابک زنجانی) که طبعاً از طرف اشرف غنی رد گردید. بناء، نکات ذیل عرض میدارم:

*تا نباشد چیزکی مردم نگوید چیز ها.

*فساد و فحشا درهردین مذهب و کیش تقبیح شده است، باید دوری جست.

*بخاطر باید داشت: □ بار کج بر یک حیوان هیچوقت به منزل نمی رسد□.

*آزادی و موقع دادن فعالیتهای مادی و معنوی به خانم ها حق مدنی و اسلامی شان است؛ درهیچ محل کاروفعالیت نیایدموردسوءاستفاده شهوانی قرارگیرند.

*عفت و پاکدامنی اخلاق پسندیده است که نباید به هیچ صورت زیر پا گذاشته شود.

*فساد و فحشا هیچوقت مستور نمی ماند؛ باید برای حفظ عزت و افتخار خود از آن دوری جست.

*فساد و فحشا سبب بد نامی جهانی کشور شده عاملین آن به محکمه رجعت داده شود.

نوت: این بود آنچه من در نظر داشتم ولی همکاری متخصصین اخلاق در زمینه ضروری است.

امنیت: که فرهنگ عمید آنرا در امان بودن، ایمنی، بی ترسی، آرامش و آسودگی تعریف نموده برای یک جامعه ضروریست. بدون امنیت حیات روزمره متلاشی و امور محوله به صورت نور مال اجرا نمیشود. سفرها توقف میابد و اقتصاد متضرر میگردد. مهیا ساختن محیط امنیت از مسؤولیت حکومت های مردمی است.

امنیت با افسران و افراد صادق پولیس برقرار و توسط انتحاریون، هنگامه طلبان، رشوه گیران و مفسدین قوا برهم خورده نظام دولتی را ضرر میرسانند. در محیطی که افسران و مدعی العموم های صادق از وظیفه بر طرف میشوند و افسران که اجنت ها اند مکافات و ترفیع میگیرند امنیت آمدنی نیست. امنیت شهروندان به انواع مختلف از طرف پولیس امر معروف و نهی منکر توییح و بی عزت میشوند که بر ضد معنی اصلی آنچه قرآن مجید در باره امر معروف و نهی منکر تعلیم داده است میباشد؛ این روش به امنیت دینی و مدنی نه بلکه به بی امنیتی و دوری از اسلام میانجامد. از بحث موضوع امنیتی (استخبارات) ابا میوزیم چون یک سیستم اسرار اداری است و ما از ظلم شان خبر نمیشویم. بناء، چند کلمه ذیل را پیشنهاد میکنم:

ایمنی از طینت ناراست نتوان داشت چشم رفته گیرید اعتماد از خانه های بی ستون (بیدل)

*پولیس باید رفیق مردم و خادم راستین باشد نه به ضد شان.

*پولیس باید به حلف وفاداری به اجرای وظیفه خود پابند باشد.

*پولیس از لت و کوب و توهین و بی عزتی اجتناب ورزد؛ پولیس مجرم به محکمه معرفی شود.

*پولیس امرمعروف و نهی منکر باید به مردم امور پسندیده اسلامی تدریس و از نا پسند ها دوری تدریس و توصیه نماید.

*پولیس مردم کارگر را که مشغول پیدا کردن لقمه حلال برای اعاشه فامیل خود تبنگی دارند کمک کند نه اینکه اورا لگد مال سازد و تبنگش را تیت و پاشان نموده منبع کارش را نابود سازد؛ اینها دشمن ظالم مردم غریب کار جامعه اند از وظیفه بر طرف و به محکمه رجعت داده شوند.

*به پولیس هر نوعی که باشد اجازه داده نشود که سوته چوب با خود برای بی عزتی مردم داشته باشند.

*قوای امنیتی پولیس متشکل از مردمان باسواد تریه شده بکار دارد نه ایله جاری های یسواد.

داکتر غلام محمد دستگیر برومفیلد ، کلورادو

پیشنهادحل چندمشکل وطن عزیزما مقاله سفید یا White paper

دوستان عزیز وطنداران جلیل القدر: در بخش اول و دوم و سوم به لست چند مشکلات و پیشنهاداتی در باره ای ییسوادی، تفوق طلبی قومی، عدم احترام به فرهنگ، استفاده ای نادرست از دین، عدالت اجتماعی و عدم مساوات، کمبود وطندوستان راستین، ملت و هویت و نبود اتفاق ، شناخت دشمن، بی اعتمادی، همسایه ها، خارجی ها، مسایل اجتماعی، اخلاق دانشگاه و صحت عامه را مطالعه فرمودید؛ اکنون درین بحث آخر با پیشنهادات درباره ای خابنین مالی و بانکی و نبود اقتصاد ملی پایدار، فساد و فحشا، امنیت، امور نظامی، روابط بین المللی، ارزشهای حقوقی و اجتماعی بشر از نگاه اسلام و در آخر، جنبه بندی آشنا میشوید:

خابنین مالی و بانکی و نبود اقتصاد ملی پایدار: در زمان کرسی **GDP** یا محصولات کلی وطنی ۳۰٪ معلومات غلط را پور داده شد که مضمونی به انتقاد را پور وزیر مالیه وقت اشرف غنی در هفته نامه امید نو شتم (با تاسف چندین شمارهٔ امید در اثر نقل مکان های متعدد کوشان صاحب مفقود شده است ولی کاپی ها در کتابخانه کانگرس تا این اواخر موجود بود و هم مضامین منتشره امید در سایت خراسان زمین مطالعه شده میتواند). آمر بانک مرکزی که مرد صادق بود و به فساد تسلیم نشد در اثر تهدیدات حیاتی مجبور به ترک کشورگردید. یک فردی که از اقربای بی بی گل (خانم اشرف غنی) که مسقط الراس هردو لبنان یکی از ده کشور مفسد تا ۲۰۲۳م بود آمربانک افغانستان شدوتا که توانست تا مسدود ساختن بانک برای شش ساعت باپول مردم خود ودوستان خودراغنی ساخت. آوازه است که وی دردانشگاه

هارورد مسهچوستس بیحث استادمقررشده است...چه درس میدهد؟ ...ممکن سرفت های سر پوشیدهٔ بانکی... زیر بنای اقتصاد یک کشور مربوط با نظم و اداره صادقانه سیستم مالی و بانکی و تجارتنی آنست که متاسفانه متزلزل ساختند. ژورنالست جوان که آمادهٔ افشای خیانتها شد بصورت مرموز به قتل رسید پدرش که برای دادخواهی مرگ پسر به مراجع بین المللی به اروپا آمده بود اوهم بهمان شیوهٔ مافیایی کشته شد. به یک پروفیسور افغان کالیفورنیایی که همه امیدخدمت صادقانه داشت اوهم دزد برآمد. یک بانکدار دیگرمردم را با تحایف قیمتی جلب نمود تا پول خود را در بانکش بگذارند و بعد میلیونها دالر مردم را ربود. برادران کرسی و دوستانش بانک دیگر را با قرضهای چند صد میلیون دالری دوپه کردند. عایدگمرکات در جلال آباد وحیرتان و هرات از طرف متصدیان امور دزدیده میشد و میشد؛ به اصطلاح، از دالر یک پیس به دولت تادیه میشد. بناء، باتاسف و تاثرداشتن چنین دزدان وطنفروش تکنوکرات پیشنهادات ذیل تقدیم میگردد:

*مثال های که در بالا ذکر شد گمان نمیکم در جای دیگر جهان رخ داده باشد. با تاسف که نبود لیدران برخاسته از مردم عامل این زیان پولی مردم بود؛ تجربه است که باید بخاطر داشت.

*مردم به اصطلاح امریکائیان میدانستند که: «روش تحفه های قیمتی نورمال نیست» متوجه باید بود تا باز تکرار نشود.

*مامورین صادق بانک که فسادرا حس میکنند بایدبدون سروصدا استعفا کنند.

*مامورین صادق که فساد را درک میکنند جستجوی اسناد ثبت را باید مخفیانه و بدون شریک ساختن به دیگران انجام دهد.

*درگمرکات اشخاص صادق با تحصیل و تجربه اداری و محاسبه مقرر شود.

*تفتیش حسابات بانکی و گمرکات بصورت منظم از طرف مؤسسات مستقل صورت گیرد.

*سه نفر مفتش بعد از حلف از سه موسسه مختلف که با یکدیگر آشنایی نمیداشته باشند انتخاب گردد.

*مامورین مفسد بانکی و گمرکات ممنوع الخروج اعلان شوند. *سیستم بیمه برای حمایت مشتریان و سهامداران از طرف قانون تسوید گردد؛ اول باید قانون اساسی و قوای سه گانه و دولت مشروع ایجاد شود.

*متصدیان دزدبانکی وگمرکات که بخارج گریخته اندهرچندوقتی ضرورت باشد و پولی مصرف شود برای پیدا کردن شان با جدیت تجسس دوام یابد.

*خابنین مالی و بانکی و گمرکات به هر نام نشانی که باشند به محکمه تخصصی جهت محاکمه رجعت داده شوند.

*نبود اقتصاد پایدار، بر بنیاد واردات و صادرات و تولید، با استفادهٔ مؤثر از معادن، مردم کشور را به کام بحران های مالی و اقتصادی، فقر و بی خانمانی میکشانند. باتاسف اکثریت مردم رنجبر و مظلوم ما فامیل های بزرگ و درآمد روزانه کمتر از یک دالر و یا یک دالر دارند که به سختی مصارف حیاتی شانرا مهیامیسازد؛ آن تبنگگ که منبع عایدات یک غریب کار است با ظلم پولیس طالب یا امر معروف و نهی منکر شان متلاشی میشود؛ بیم ظهور بحران و فاجعه بزرگ هوشدار داده شده است.

پیشنهاد حل چند مشکل

سیستم اداری یک قومی راه شناخت بین المللی را باز نمی سازد. افغانستان متشکل از اقوام و اقشار مختلف است نه تنها قوم افغان یا پشتون. شناخت بین المللی به اساس پیروی از منشور ملل متحد و احترام به حقوق بشر است که اسلام هم به آن با ۲۲ ماده اشاره نموده (فرید یونس، پیام توحید، شماره اول، صفحه ۱۶- ۳۷ سال ۱۹۹۵ نشر شمال کالفرنیا) صورت گرفته میتواندوس. افغانستان جزء ملل جهان و ازبنیانگذاران ملل متحد است در عزلت نمیتواند رابطه بین دول خود را حفظ نمود، بناء، نکات ذیل تقدیم میگردد:

*نبودسفارتهدارجهان برای افغانستانیهای داخل وخارج مرزمشکلات خلق کرده است.متاسفانه باروش ضدحقوق بشری گروه برسر اقتدار کمتر امید رفع این مشکل در افق حکومتداری مشروع افغانستان دیده میشود؛ سیستمی ایجادشود که این مشکلات رارفع نماید.

*دوستان حقوق بشر و انهایی که خود را مسلمان پنداشته اند نباید در شناخت گروه تروریستهای که آینده جهان با کندک انتحاری شان در خطر است اقدام ورزند.

*سیستم حکومتی که خودرادوست وهمکارجهان بداندهرچه زودتر از طریق مقاومت گران و کمک دوستداران حقوق بشر ایجادشود.

نوت: این بود نظر من. میدانم متخصصان حقوق بن الدول ما و نماینده جوان و فعال افغانستان که کرسی افغانستان را در ملل متحد با منانت نگاه و از حقوق بشری و سیاسی وطن جداً دفاع میکند و در مبارزه است خداوند ،اجر عظیم نصیب این فرزند صادق سازد؛ این مبارزات باید سرعت بخشیده شود و به خواهشات مردم افغانستان گوش داده شود.

ارزشهای حقوقی و اجتماعی بشر از نگاه اسلام:

این بحث جهت معلومات مزید شما تقدیم میگردد: اعلامیه حقوق بشر بروز جمعه دهم دسمبر سال ۱۹۴۸م در اسامبله عمومی به سمع جهانیان رسانده شد؛ دارای ۳۰ ماده مترادف حقوق بشر از نگاه اسلام دارد که مشتمل اند بر: حق زندگی، حق آزادی، حق مساوات، حق عدالت، حق فرد بر محاکمه عادلانه ، حق مصونیت از زیاده روی و شکنجه، حق فرد در اینکه نام و شهرت وی مورد حمایت باشد، حق پناه گزینی، حق اقلیت ها، حق شرکت در زندگی عامه، حق عزل فرمانروایان، حق آزادی فکر و عقیده و سخن گفتن، حق آزادی دینی، حق دعوت و تبلیغ، حقوق اقتصادی (غش)، فریب دادن ومجهول گذاشتن معامله، فریب و غبن در معامله، احتکار، سود خوری، اعلانات دروغین و فریبنده)، حق و وحیه کارگری (مزد او در مقابل جهد و کوشش او، برای کارگر زندگی آبرومند، پیشه وری مهم برای مردم، نتیجه کار او مورد دستبرد و استثمار قرار نگیرد)، حق تشکیل خانواده، حقوق زن (همسر)، حق تربیت، حق حمایت خصوصیات فردی و حق آزادی و مسافرت واقامت.

دیده میشود که پیروان اسلام حقوق متعددی دارند که اضافه از چارده قرن قبل باتعلیمات کلام الله شریف واحادیث متبرکهٔ نبوی حضرت محمدرسول الله(ص) برایشان اهداشده است. بدین ملحوظ در اسلام:

هیچکس حق ندارد شخص بی گناهی را بقتل برساند. آزادی فردی شان مصون است. هرکس حق مساوی دارد. هر کس حق دارد که با وی عادلانه رفتار شود. محاکمات عادلانه صورت گیرد. از زیاده روی و شکنجه در تعیین مجازات خود داری شود. از ریختن آبرو و ملوث ساختن شهرت یک مسلمان ممانعت صورت گیرد. در صورت تظلم وستمکشی هم حق پناهگزینی داردوهم حق انتقامجویی. اقلیتها در اسلام مصون بوده دین به کس به جبر تحمیل نشود. در زندگی عامه با همدیگر مشاوره نموده در اشغال منصب های مختلف به اساس استعداد و لیاقت، تقرر صورت گیرد. مسلمان ها حق دارند فرمانروای خود را انتخاب کنند و در صورت لزوم عزل نمایند. آزادی فکر و عقیدت و سخن گفتن مجاز است. آزادی اعتقاد و آزادی ادای عبادت مطابق معتقدات شخص میسر ساخته شود و حمایت شود. فرد مسلمان میتواند دعوت و تبلیغ نماید و مؤسسات را برای پیشبرد این هدف ایجاد نماید. حقوق اقتصادی موجود بوده و تجارت صادفانه بدون فریب کاری، احتکار و سود خوری مرعی الاجرا شود. کار یا وظیفه در اسلام اهمیت فوق العاده داشته کارگران حقوق مشخص می داشته باشد. تشکیل خانواده بین زن و مرد از آدم و حوا نشات کرده تاکید شده و دختران جوان حق دارند در انتخاب شوهران خود تصمیم آخری داشته موافقت شان در انتخاب شوهر آینده که برایش ارزش حیاتی دارد حمایت کلی صورت گیرد. زن و شوهر در اسلام حقوق مساوی دارند؛ با تاسف کلتور غربی بر بعضی خانم های بیسواد و باسواد تاثیر منفی داشته اصل حقوق مساوی را فراموش کرده روش فیمینستی در پیش گرفته اند. احترام بین الیبی دو جانبه در اسلام تشویق شده است. اطفال بر والدین حق تربیت نیکو داشته احترام والدین بر آنها فرض و بررسی از احوال سالخوردهگان برای شان توصیه گردیده است. خصوصیات فردی و راز های شخصی یک فرد در اسلام حق حمایت دارد.

هر کس میتواند آزادانه مسافرت نموده هر جائی که بخواهد اقامت گزیده میتواند.

اینست اسلام حقیقی ! اما بعضی پیروان که متأسفانه شامل یک فرد مسلمان عادی تا ملا و مولوی می باشد از آن طرفه رفته اند، گناه اسلام نبوده، روش و عنعنۀ قبایلی خودشان هست؛ عیب در ضمیر و باور آنهاست که اکثر مسلمین جهان آنرا تقبیح میکنند و نباید با آن مثال های چون داعش و طالب و طالب پاکستانی های هنگامه جو که به اسلام صلح دوست و خیرخواه بشریت توهین و بی حرمتی متوجه ساخته اند، اهمیت قایل شد.

در آخر، جنبه بندی: وقتیکه مردم باسواد و مدنی باشند، در جامعه تفوق طلبی حاکم نبوده بهمه اقوام و اقشار وطن احترام شود، از دین جید اسلام سوء استفاده صورت نگیرد و بد نام ساخته نشود، عدالت اجتماعی و مساوات بر قرار گردد و مردم همه وطن دوست راستین شوند وحب وطن راجزءایمان خود بدانند، همه متفق و یک دل شوند، با اتفاق یکدیگر دشمن اصلی را تشخیص نمایند، ملت و هویت مردم کشوریه پیروی از تعلیمات قرآنی و حدیث نبوی باشد، بی اعتمادی را به دور بیاندازند ویکدیگر را دوست بدانند، آنوقت است که همسایه های مسلمان ونامسلمان وعضو کامنولیتهاهمدستان خارجی های شان چون انگلیس ها، امریکایی ها، عرب ها، روسها و چینیایی ها و دیگران با چشم چپ طرف وطن ما دیده نمیتوانند چه رسد به اینکه وطن را مورد تهاجم خود و یا نیابتی و پروکسی های شان قرار دهند. ارکان دولت اگر مسلمانان راستین اند میدانند که بلیونها افغانی که خارجی برای او میفرستد رشوه است و این پول هنگفت را برای او داده اند تا او را برای اهداف خود جذب کنند، اگر بر صحت مردم و فروعات مربوطه مانند تغذی و هوای مصفا و آب پاک و باشگاه پاک با درک اینکه پاکی جزء ایمان دانسته شود و سیستم حفظ الصحه قوی در کار باشد کشوری میداشته باشیم که محیط غنی از عقل سلیم در بدن سالم میداشته باشد، سیستم مالی و بانکی صادفانه و عالمانه مجهز به تکنالوجی عصری که توسط متخصصین ایماندار صادق چلانده شود اقتصاد فردی، محلی، ولایتی و کشوری را برتری میبخشد، دوری از فساد و فحشاء علاوه ازینکه پیروی از تعلیمات قرآن مجید است محیط با برکت ومحترم و معزز را نیز با خود میداشته باشد، با قوای پولیس خادم نه حاکم ،امنیت سرتاسری نصیب میشود، پولیس رفیق و حامی غریب کاران باشد نه ظالم رشوه خوار، قوای نظامی مجهز با افراد و افسران شجاع و وطن دوست که حاضر هر نوع قربانی برای حفظ نوامیس ملی هستند خار چشم دشمنان میباشد، با این همه اگر کشور با همه جهان روابط بین المللی به اساس پیروی از منشور ملل متحد و حقوق بشر که اسلام هم ارزشهای حقوقی و اجتماعی بشر را به اساس تعلیمات قرآن مجید و احادیث نبوی هدایت میفرماید همکار شود و مسایل اجتماعی به نظر حرمت دیده شود، فرهنگ و کلتور مردم زیرپاناشود؛ افغانستانی خواهیم داشت که راستی قلب وستارۀ آسیا در تمدن و دانش و بشر دوستی و دینداری نه قهرمان انسان کشی و انتحاریون خواهد بود:

اینست یک کشوری که جوانان ما امید قوی دارند که داشته باشند و من معذرت میخوام که نسل ما نتوانست یک افغانستان آرام ، مرفه، با امن و سر فراز برای شما به میراث بگذارد؛ شما وظیفه عظیم بدوش دارید که اشتباهات ما را تکرار نکنید و برای نسل آینده ای تان یک افغانستان مملو سر شار از افتخارات به ارث بگذارید و هم «لا تقنطوا من رحمة الله». و من الله التوفیق.

با دل اگر نجوشیم، بیدل کجا خروشیم ؟

دود همین سپندیم، بانگ همین دراییم (بیدل)

ببیند وهمۀ وسایل واسباب رامسخر امر و فرمان حق یابد، این شهود که ممکن است آنراشهودتصرف و قدرت حق بنامیم، هرگاه با وثوق واطمینان به حکمت ورحمت حق نسبت به تمام موجودات توأم شود از آن حالت، اعتمادی درقلب نسبت به خدای تعالی و بی اعتنایی نسبت به اسباب ووسایل پدید می آید که سالک درنتیجۀ آن به تمام همت، امورخود را به عنایت حق باز میگذارد و وثوق او به تأثیراسباب زایل می گردد، این حالت راصوفیان توکل میگویند بدان مناسبت خودرا به وکیل باز می گذارد دست ازتصرف کشیده است. حدوث چنین حالتی درقلب نزد محققان صوفیه مخالف کسب و عمل نیست زیرا عدم اعتماد براسباب ووثوق به خدا، ترک اسباب راعمی و نتیجه نمی دهدبلکه انسان هرگاه اسباب را موجب رسیدن به مقصود نداند ومعتمدباشد که کارهابدست خداوندی است حکیم ومهربان که برمصلحت ازخود او واقف تراست، درین صورت اگرگاهی هم به مقصود نرسد زیادغمگین نمی شود، و به حرمان وبدیختی خود اعتقاد جازم حاصل نمی کند وبای از کسب وطلب درنمی کشد. پس توکل بدین معنی محرّض بر کار و کوشش نیز تواند بود .

مولانا نیزبرهمین عقیده است وتوکل را منافی سعی و عمل نمیداند زیرا ترک اسباب ویکار نشستن به امید(صفحهٔ هفتم)

نصیراحمد رازی

سدنی ، آسترالیا

واژه های تصوف در مثنوی شریف

جملهٔ عالم ز آن غیور آمد که حق بُرد در غیرت برین عالم سبق او چو جانست و جهان چون کالبد کالبد از جان پذیرد نیک و بد *غیرت:* درمورد حق تعالی معنی دیگر دارد و آن ممنوع داشتن خلق است از بعضی از صفات جلال مانند عظمت و کبریا که بندگان رابه حسب آفرینش و تکویناً از آن ممنوع داشته است برای آنکه انسان وهیچ موجودی راچنان نیافریده است که از نقص وحاجت مبراً باشد، پس صفت عظمت و کبریا در خور انسان نیست وآدمی از روی جهل وغفلت مدعی آن میشود، آنگاه انسان باوجود کم بود و نیازمندی، تکبر دیگران رابر خود نمی پذیرد، و این از آثار غیرت است که نعتی الهی است، پس اگرانسان کبردیگری راتحمل نمی کند ازباب سریان اوصاف حق است دروجود او .

از دگرسو، خدای تعالی باعتباراینکه پادشاه وفرمانروایی مطلق است چنان می خواهد که امر ونهی واحکام او را بندگان گردن نهند واز فرمان اوسریچی نکنند وحدود احکام رانگه دارند، وبدین جهت بعضی امور راحلال وبعضی را رام کرده ومتجاوز رابه عقاب تهدید فرموده است، مردان خدا نیزبدین معنی به غیرت موصوف می گردید وهرگاه کسی برخلاف امر ونهی الهی قدم بر دارد ازآنجا که حفظ نوامیس الهی مقتضای غیرت اوست براوخشم میگیرندووی را متنبه میسازند، امانخستین، حکم فطرت ودومین، حکم شریعت است.

گاهی نیزغیرت ازعشق می خیزدلیکن نسبت به صوفی ازاحکام بدایت طریق است، بعضی ازصوفیان، درعشق خدا چنان بوده اند که شنیدن نامش را اززبان دیگران یازاهل غفلت برنمی تافتند» شبلی راپرسیدندک آسوده کی باشی؟ گفت آنکه که او را هیچ ذاکر نبینم. «(ترجمۀ رسالۀ قشیریّه)

این حالت را «غیرت بر خدا» می نامند وآن صفتی است حاکی ازبقیاء بشریت و تنافس که ازصفات نقص است، ازاین رو محققین صوفیه گفته اند که چون توحیدبه کمال رسد حجاب غیر وغیریت ازپیش چشم برداشته می شود ودر آن صورت، غیرت برخدا زوال می پذیرد. اهتمام صوفی به سلوک وامتناع از فوت طاعت و وقت ومعاینه ومشاهده رانیز ازمقولۀ غیرت شمرده اند.

بنابراینچه صوفیان معتقد بوده اند وهم بنابر اینکه هرفعلی وصفتی که به موجودات منتسب گردد ازآثار وجود ودرحقیقت منسوب به حق تعالی است. مولانامیگوید که جهانیان ازآن جهت غیور و رشکمند اند که مظهرصفات الهی هستند مانند آنکه تمام حرکات بدن ازروح است که قوۀ محرکۀ تن است، حق تعالی نیزجان جهانست واصل همهٔ آثار وجودی است.

اوبه سردجال یک چشم لعین اری خدایربادرس نعم المعین (مولوی)

دجال : دروغ گوی، شخصی که مطابق روایات اسلامی درآخرالزمان ظاهر خواهدشد وازیک سوی او نهرآب و ازسوی دیگر نهری ازآتش خواهد بود و هرکه درنهرآتش رود آب سردمینوشد وآنکه درآب فرو رودسرازآتش برمی آورد، اوهمۀ عالم رامیگیرد مگر مکه ومدینه را وبرپیشانی اوبه حروف مقطعه کافرنوشته اند، مطابق همین روایات یک چشم او کو است ویااصلا پلک آن شکافته نشده وبه اصطلاح ممسوس وناپیداست ولی چشم راست یاجپ او ، روایات مختلف است.

درزمان پیغمبرشخصی بوده است بنام «ابن صیاد، ابن صائد» که او را دجال می پنداشته اند، عامه معتقد بوده اند که دجال از اهل اصفهان است وچاهی در اصفهان نشیمن اوست. خاقانی گوید ک چراسوزچنین دجال چشم است که اندر جیب عسی یافت ماؤا نه عیسی داشت از یاران کمینه سوزنی دربر

نه سوزن شب دجالست یک چشم سپاهانی

چا صفاهان مدان نشیمن دجال مهبط مهدی شمر فنای صفاهان آنک از حق یابد او وی وجوب هرچه فراید بود عین صواب (مولوی)

وحی : القاء ویبان معنی، پنهان ازغیر، الهام، ظهور معنی درخواب، وصول معنی به دل ویا از راه گوش به واسطۀ ملک، کلام خدا که به انبیامیرسد دراصطلاح شرعی، وحقیقت آن پیوستگی دل است به عالم غیروظهورحقیقت بیواسطۀ تعلم، بدین معنی مخصوص انبیانیست ودر قرآنکریم برای اولیائیزاستعمال شده اس: و از اوحیت الی الحوارین آن آمنوایی وبرسولی.(المائده آ ۱۱۱) و صوفیه وحی را منقطع نمی شمارند وظاهراً مرادایشان معنی اخیراست. مولانا می فرماید :

نه نجومست ونه رملست ونه خواب وحی حق والل اعلم بالصواب از پی روپوش عامه در بیان وحی دل مانند آنرا صوفیان *حذر* : ترس وخودداری از وقوع درمحل خطر وتهیه واستعمال وسایلی که برای دفع خطر ضرورت دارد.

در حذر شوریدن شور و شرسرست رو توگُل کن توکل بهتراست

توکل : واگذاشتن کاربه وکیل و اصطلاحاً، واگذاشتن امورات به خدای تعالی وتسليم نسبت به احکام الهی. توکل درنزد صوفیه یکی ازمقامات بسیار شریف وبلنداست ومبتنی است برتوحید افعالی،

بدین معنی که چون سالک تصرف و قدرت (ستون دوم)

مشتاق احمد کریم نوری

سافراسکو

پاسداشت زبان ها. حرمت فرهنگ ها

رمضان ماه ایست که ابتدایش رحمت، وسطش مغفرت، و پایانش اجابت دعا، وفرجامش نجات از آتش دوزخ است. رمضان شهر عشق و عرفان است، بحر فیض و احسان است، ماه عفو و گذشت و غفران است - مقدم این بهار دلها گرامی باد و هکذا در این ماه مارچ چند موضوع دیگر هم شامل است حلول نوروز باستان و گذشتن ایام زمستان و فرارسیدن موسم بهاران، و هکذا هشتم مارچ روز جهانی زنان، درسراسرگیتی، که مبارک و میمون باد، همین قسم روز جهانی مبارزه با هراس افگنی بر علیه دین مبین اسلام عزیز. در حالیکه روز جمعه پانزدهم ماه مارچ به عنوان روز جهانی مبارزه با کسانیکه اسلام هراسی می نمایند در همه نقاط گیتی تجلیل می گردد. اتونیو گوتراش سر منشی سازمان ملل متحد در رابطه به این روز، که با تصویب مجمع عمومی ملل متحد و حمایت اعضای شصت گانه. سازمان همکاری های اسلامی و تأیید همه جانبه کنفرانس اسلامی و سازمان ملل، پانزدهم مارچ را فیصله نمودند. سازمان ملل متحد اسلام هراسی را ترس پیش داوری و تفرنسبیت به مسلمانان بیان داشته که به تحریک، خشونت و خصومت و بد رفتاری مسلمانان و غیر مسلمانان منجر گردیده آقای گوتراش اضافه داشته، که سخنان تفر آمیز در شبکه های مجازی به خشونت فیزیکی و دشنام های رکیک و ادبیات بازاری نیز منتج گردیده که مایه یاس و تأسف است.

آقای جستن ترودو صدراعظم کانادا هم به استقبال رمضان مبارک و جایگاه مثبت و قابل حرمت مسلمانان در کانادا سخنان عالی ارائه نمود. همچنان. جو بایدن ریس جمهور ایالات متحده در پیام به خاطر این روز، بیان داشته که اسلام دین عزت و حرمت است و اسلام هراسی در امریکا جای ندارد. در اعلامیه که به خاطر این روز از طرف اداره قصر سفید صادر شده، گفته شده که باتشدید جنگ در غزه، بعضی ها، مسلمانان را مورد خشونت و اذیت قرار داده اند، باید واضح گفت که اسلام هراسی و تبلیغات سو و نفرت پراگنی در ایالات متحده جای ندارد و مسلمانان عزیز در امریکا نباید که در زندگی عادی و روزمره شان، نباید که تبعیض ارعاب، تهدید و خشونت را تجربه کنند. جو بایدن پیرکاخ سفید گفته که روی طرح نخستین استراتژی ملی ایالات متحده برای مبارزه با کسانی که اسلام هراسی دارند و نفرت و اذیت نشان می دهند و دیگر انواع و اقسام مرتبط با تعصب کینه و تبعیض کار می کنند و هدف این استراتژی بسیج جامعه برای مقابله با انواع مختلف نفرت و تعصب در برابر جوامع مسلمان ها، آسیایی ها، عربها و تاریک پوستان و دیگر کتله ها می باشد.

آگاهی دهی و گزارش رسانی در مورد میراث و کمکهای ارزشمند همه آنان به ایالات متحده مایه میاهات است و روی این اصل و به خاطر این ملحوظ از سال ۲۰۲۲ ترسای ایالات متحده یک کمیته از مقامات حکومتی را برای مقابله با یهود ستیزی، و اسلام هراسی و همه اشکال دیگر تعصب و تبلیغات ناروا را که نه مردی و نه عیاری است، بلکه نمونه کامل از نفرت پراگنی و عقده مندی و اجحاف و دون صفتی را بازگو می نماید روی این پلان تفارم کار جریان دارد. جو بایدن که در نظرسنجی های اخیر، در مقابل دونالد ترامپ، رقیب انتخاباتی او در نوامبر امسال ایالات متحده که بر او پیشی گرفته، به خاطر از دست ندادن رای مسلمانان، حتی سخنان اش را در ارتباط به باریکه غزه، نسبت به اوائل جنگ، ملایم تر ساخته و از غلّ و فتن مانده و کمیته هم بر مبنای اعتقادات دینی را ایجاد کرد.

هکذا می خواستم که در باره انتخابات امریکا و روسیه نیز مفصل و مشرح صحبت نمایم، که انشاء الله در مقال و مجال دیگر بدان خواهم پرداخت کمی از انتخابات پاکستان هم صحبت می نمایم و از انتخابات بسا کشور ها که گفته شده امسال در حدود پنجاه و هفت انتخابات در جهان انجام می شود که من در شماره آینده بخیر و خوبی به چند تای آن خواهم پرداخت. البته که از ترس مدیر امید نیز باید روی همه موضوعات کوتاه صحبت نمایم. نتیجه انتخابات پاکستان را یکی از اعضای تحریک انصاف گفته که با یک توطئه پلان شده بر ضد عمران خان با تعامل با فوج و استخبارات که خود دولتی در درون دولت است. دولت جدید را (سازش) نمودند تا (انتخابات) که در نتیجه آقای (ده فیصد) که آصف علی زر داری باشد ریس جمهور برای بار دوم (سازش) شد (و شاه باش) بیخشد زبان گوشتی است (شهباز شریف) که از او (مرد بیست فیصد) ذکر گردیده او هم (میا) شد یعنی میا شهباز شریف هم (وزیر اعظم) شد و گویا (مرد پنجاه و یک فیصد) که عمران خان نیازی باشد، به گفته (تحریکی های انصاف) او را زندانی نمودند.

بلی همان طوریکه در صحبت های تلویزیونی ام در برنامه در پیچه سخن گفته بودم که حکومت آینده پاکستان که همین ماه بوجود آمده، حکومت ائتلافی خواهد بود و نمی تواند که بیشتر از پنجاه

مشایخ لوگر

مشرف شدن دانست که تاج اولیا همان درویشی است که در کوه های پروان خضر راه اوشده بود. تاج اولیا بانگهای کارش را تمام کرد. بعد از برگشت، در بازار جبل السراج زمینگیر شد.

شجره نسبی سیدجان آغا در طریقه چشتیه شریف چنین است: سیدجان آغا، سیدتاج الدین، خواجه داود مکی، خواجه علاء الدین، صابری کلیری، شیخ فریدالدین گنج شکر، قطب الدین بختیار کاک، خواجه معین الدین چشتی، خواجه عثمان هارونی، شرف الدین، ناصر الدین، خواجه محمد چشتی، ابو ابدال، ابو اسحاق، خواجه ممشاد دینوری، هیره، سیدالدین، ابراهیم ادهم، ایاز دانا عبدالواحد، حسن بصری، علی المرتضی رضی الله علیهم اجمعین. حضرت محمدصل الله علیه و السلام.

سیدجان آغا در طریقه نقشبویه به مولانا محمداسلم خان مشهور به مبارک صاحب دولتشاهی بیعت نموده بود. /

واژه های تصوف

اینکه خدای تعالی بدون سعی و عمل فی المثل تشنه را سیراب کند و بدون جویدن غذا گرسنه را سیری بخشد ویی کاشتن، گندم برویاند چهل محض است و در شرع جایز نیست و ما میدانیم که توکل یکی از اسباب قرب به حق تعالی است و هرگز عمل سفیهانه موجب تقرب نتواند شد و بنابراین، مقصود از توکل به ناچار باید اعتماد بر خدا و عدم اعتماد بر اسباب باشد، نه ترک سعی و کوشش و یا ترک استقصا در اسباب و حرص نوز زیدن و به حیل های حریصانه در طلب معاش توسل نجستن است نه آنکه از روی نادانی ویی خبری در خانه بنشینند و در برخورد ببندند و منتظر باشند که روزی از روزن خانه برون ریزند و آسایشی بدون زنج، برخلاف سنت الهی حاصل کنند و نظریه همین معنی غزالی اسباب رابه سه قسمت کرده است: یکی مقطوع و متیقن مانند نان خوردن و سیر شدن و تخم کاشتن و خرمن برداشتن، و دوم مظنون مانند بی زاد و توشه در راههای معمول رفتن که ممکن است به تصادف قوتی حاصل شود آن هم برای کسی که طاقت گرسنگی دارد و تمرین بر جوع کرده باشد و بنابراین، هرگاه کسی در راه غیر معمول و بیابانی برود که آب و گیاه ندارد آن عمل را ناروا داشته اند، و سوم اسباب موهوم که انسان به حصول نتیجه از آنها توثوق و اطمینان نداشته باشد و این سوم مشمول استقصا و حرص است و در این مورد ترک سبب بر توسل به سبب، ترجیح دارد.

لیکن برخی از صوفیان و پارسا روشان و زهاد، توکل رابه معنی ترک اسباب و صرف نظر از کسب و کار پنداشته اند، چندان که مثلا هنگام بیماری دوا خوردن و مراجعه به طبیب را مخالف توکل می دیده اند!

(واژه های تصوف در مثنوی، استاد بدیع الزمان فروزانفر رح)

را پوره کند و بهمین خاطر تذکار داشتم که عمر این حکومت هم دراز نخواهد بود. هر چند احزاب مسلم لیک (نواز ها) و بیپیل پارتی (حزب مردم) با چند حرکت و احزاب دیگر گویا به کشور داری رسیدند. که در نتیجه آصف علی زرداری شوهر خانم بینظیر بوتو، ریس جمهور شد و در آستانه ماه مارچ روز جهانی زن، بیان شد که با مرگی زنی، مردی، مرده یی، زنده شد. و دوبار است که بعد از مرگ (سیاه سرش) باز هم بیخشد (سایه سرش) در سال ۲۰۰۷ میلادی، از سال ۲۰۰۸ ترسای تا به حال ۲۰۲۴ میلادی دو بار است که ریس جمهور پاکستان می شود یعنی از سال ۲۰۰۸ تا به سال ۲۰۱۳ هم ریس جمهور پاکستان شد و از آغازین سالهای ۱۹۹۰ میلادی تا سال ۲۰۰۴ میلادی هم زندانی بود و جرمش هم بر محور اختلاس و همان جزیه گیری از حکومت های که خاننش زمان های صدراعظم پاکستان بود، به (شخص ده فیصد) و جزیه گیر زندانی شده بود هر چند اعضای حزب شان این را توطئه طرح ریزی شده (ارتش و ای اس آی) وانمود می نمودند. مثلیکه حالا حرب تحریک انصاف زندانی شدن عمران خان را، همانطور یادآوری و ارزیابی و توجیه مینمایند. بهرحال من مواظب باشم که از صفحه اختصاصی و ستون های تعین شده ام، مطابق جاغور امید و قطع و صحافت فعلی اش عدول نکنم و هم جان مطلب را بیان بدارم. بهرحال بلا آخره در چهاردهم حوت شهباز شریف به حیت بیست و چهارمین صدراعظم پاکستان حلف و فاداری یاد نمود و در وقت مراسم تحلیف ریس جمهور قبلی عارف علوی که از سال ۲۰۱۸ تا به مارچ ۲۰۲۴ ریس جمهور بود این مراسم در حضور او انجام گردید.

هکذا در حضور ریس ستره محکمه و جنرال عاصم منیر ریس فوج و انوار الحق کاکر صدراعظم موظف و موقت که از ماه اگست تا این ماه حکومت موقت را سرپرستی می نمود حضور داشتند و تاریخ بیست حوت هم، برای بار دوم، آصف علی زرداری منحیت چهاردهمین ریس جمهور پاکستان تعیین گردید و (سازش) یا (انتخابات) صورت گرفت.

شرح اشتراک هفته نامه امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۰) دالر - یکسال (۸۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۴۵) دالر - یکسال (۹۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه (۵۰) دالر - یکسال (۱۰۰) دالر

Omaid Weekly

12286 Ashmont Ct #202

Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A

Tel : (703) 491-6321

Email: mkqawi471@gmail.com

دموکراسی یا دولت اسلامی

به ملاحظه شاخص دموکراسی افغانستان در سال ۲۰۲۳ درین ۱۶۷ کشور پائین ترین مملکت دنیا تثبیت شد که از ده نمره صرف صفراعشاریه سی و دو نمره یعنی کمتر از ثلث یک نمره را حائز گردید. در عین زمان نمرات پاکستان و ایران نیز چندان جالب نمی باشند و اما نسبت به افغانستان درین ساحه بهتر اند. پاکستان ۱۳/۴ نمره از ده برده که یکصد و هفتم می باشد و یک کشور مختلط گفته شده به این معنی که نه دموکراتیک است و نه استبدادی حالانکه ایران ۱/۹۶ از ده گرفته که یکصد و هفتم از جمله ۱۶۷ مملکت میباشد و حکومتش را استبدادی نامیده اند.

سوال اینجاست که چرا هر دوی آنها توسط جامعه جهانی برسمیت شناخته شده و دولت طالبان که مانند ایران استبدادی شمرده شده، برسمیت شناخته نمیشود. علت مهم آنست که افغانستان نه قانون اساسی ساخته بشر رادارد، نه انتخابات آزاد به اشتراک عوام در آنجا صورت میگیرد و نه خانمها حق مساهمت در اداره مملکت را دارا هستند.

به روایت جارا الله زمخشری، صاحب تفسیر کشاف، قرآن معظم شامل (۶۶۶۶) آیت است که منجمله یک هزار در امر و یک هزار در نهی و یک هزار در وعده و یک هزار در وعید و یک هزار در قصص و یک هزار در مثل و پنجصد در حل و حرمت و یکصد در دعا و ۶۶ در ناسخ و منسوخ و لفظ قرآن مصدر است. احتمالاً بنابر برداشت امارت طالبی این آیات متبر که جمع احادیث معتبر نبوی و فتاوی مربوطه امام اعظم (رح) کلیه احکام هر نوع قانون اساسی مدنی ساخت دست انسان و حتی بیشتر از آن را جوابگو میباشد و ضرورتی بطرح و تطبیق کدام قانون اساسی که ساخته و بافته ممالک غرب یا پیروی از آنها باشد باقی نمی گذارند و وزارت امر بالمعروف و نهی از منکر و وزارت عدلیه و محاکم افغانستان در تطبیق قوانین شریعت غرای محمدی حاضر و کافی اند. اما امریکا و طرفدارانش اینرانی میبندند و مصراند که دولت باید همه شمول باشد باین معنی که پیشوای دولت و قانونگذاران باید در اثر رأی آزاد در انتخابات عمومی از طرف کافه ملت صرف نظر از اختلافات قومی و لسانی و مذهبی و عقاید سیاسی و تمایل جنسی شان انتخاب شده باشند. برای امریکا و طرفدارانش این مسئله فرق نمیکند که آیا افغانها در مجموع آماده پیروی از نظام دموکراتیک هستند یا خیر. طبق ادعای امارت طالبی پیشوای ملک اسلامی را اهل حل و عقد که فعلاً عبارت از شورای علماء میباشد انتخاب مینماید که این روش باروشی که در زمان خلفای راشدین (رض) اختیار شده بود سازگاری نشان میدهد. حضرت عمر (رض) در وقت رحلت شان از جهان برای انتخاب جانشین کمیته شش نفری را مرکب از بهترین مسلمانان برگزید که هر یک ایشان از جمله العشره المبشرون بودند از قبیل حضرات عثمان، علی، عبدالرحمن ابن عوف، سعد ابن ابی وقاص، طلحه ابن عبیدالله و زبیر ابن عوام (رض) دستور این بود که ایشان مشوره کنند و یک نفر را از میان خود بچیت خلیفه انتخاب نمایند که در نتیجه خلافت نصیب حضرت عثمان بن عفان رحمت الله علیه شد.

در فرهنگ افغانی تعیین زمامدار کشور از طرف لوی جرگه یا مطابق روش دینی اسلامی از طرف اهل حل و عقد بدون توصل به انتخابات سراسری عمومی مشروع و مجاز دانسته شده است. /

تاراج زغال سنگ

را در جهان به حیرت انداخته است.

دوام این پروژه نامیوم و نامقدس در فقر و بیچارگی مردم ما و عقب مانی و دستگیری دایمی کشور ما می افزایش. سرانجام طالبان ذخایر معدنی کشور را تهی نموده و به پای ایستاده شدن کشور را در آینده ناممکن می سازند. عمل طالبان در تاراج مواد معدنی کشور و محروم نگهداری جوانان ما از تعلیم و تحصیل دو علت اساسی اند که کشور و مردم ما را فلج ساخته، دچار آینده سیاه و تاریک می نمایند. /

هر چند در این دولت حزب مردم به رهبری بلاول بوتو، پسربینظیر بوتو و آصف علی زرداری وزیر خارجه نشد و قسمی ابراز شده که در این حکومت داشتن ریاست جمهوری و ریاست مجلس (صفحه هشتم)

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند نسخه آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند:

Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

Amid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 32, Issue No. 12, MARCH 21, 2024, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel : (703) 491-6321 Email : mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان و شاگردان

لیسه عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً چه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه دسمبر ۲۰۲۲ ارسال دارند. تلفون ۶۳۲۱ ۴۹۱ ۷۰۳
mkqawi471@gmail.com
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge VA 22192-7075 U.S.A.

پاسداشت زبان ها و فرهنگ ها

به حزب مردم و یا پیپل پارٹی کافی است .

به همین خاطر ۱۹ نفری را که وزیر اعظم جدید پاکستان شهباز شریف معرفی نمود تقریباً زیاد آن از حزب شاخه نواز مسلم لیگ میباشد که بیشترشان هم در بخشهای اقتصادی گویا مهارت و شطارت داشته و دارند از جمله اسحاق دار، که وزیر مالییه حکومت سابق مسلم لیگ بود، اکنون وزیر خارجه تعیین شده، وخواجه آصف وزیر دفاع میاشهباز شریف با (۲۰۱) رأی پارلمان صدراعظم شد و آصف علی زرداری از حزب مردم هم که با محمودخان اچکزی از حزب تحریک انصاف که با (۱۸۱) رأی رقابت گویا داشتند که با حمایت ائتلاف یاد شده و ری گیری پارلمان و مجالس ایالتی با (۴۱۱) آصف زرداری ریس جمهور شد و جا دارد که گوشزد شود که کلاه قندهاری را که زرداری بر سر میکند، کلاه پاکستانی نیست همان طوریکه کلاه ترکستان زمین رامنظور بشتین بر سر میکند، پاکستانی نیست ولی بعد از سر کردن او در زمان جمهوریت در (دم و دستگاه) همان کلاه خودی را (بیخودی) به بیگانه ها امتیاز می دادند و یا بعضی ها (پیراهن بی یخن را) پاکستانی می گفتند، در حالیکه قبل از زایش و پیدایش پاکستان بسا از بزرگان جید وطن ما از پیراهن و تنبان های بی یخن استفاده می نمودند. مریم نواز دختر نواز شریف وزیر اعلی پنجاب تعیین شد که پنجاه سال دارد و متولد سال ۱۹۷۳ م میباشد که با شهباز شریف ۷۲ ساله کاکایش در حکومت جدید شامل گردیده است. تجربه نشان داده که عمر حکومت های ائتلافی کم است و عمر اینطور حکومتهای مختلط و نامتجانس کمتر! داستایوفسکی موضوع نیت بد قضای سر را در قالب داستانی مقبول بیان داشته است. و واقعا بد نیت ها در دنیا و آخرت جزا های شان را می بینند. والسلام

گزیده از حکایات مولانا عبید زاکانی

*مردی را گفتند پسر ت را به توشابھتی نباشد. گفت: اگر همسایگان باری ما را رها کنند، فرزند انمان را به ما شباهتی خواهد افتاد.

* یهودی از نصرانی پرسید: موسی برتر است یا عیسی؟ گفت: عیسی مردگان را زنده می کرد، ولی موسی مردی را بدید و او را به ضربت مثنی بیفکند و آن مرد بمرد؛ عیسی در گهواره سخن می گفت، اما موسی در چهل سالگی می گفت: خدایا! گره از زبانم بگشای تا سخنم را دریابند.

* مردی کودکی را دید که می گریست و هر چند مادرش او را نوازش می کرد، خاموش نمی شد. گفت: خاموش شو تا مادرت را به کار گیرم! مادر گفت: این طفل تا آنچه گویی نبیند به راست نشمارد و باور نکند!

* پیر زالی با شوی می گفت: شرم نداری که با دیگران زنا می کنی و حال آن که ترا در خانه، چون من زنی حلال و طیب باشد؟ شوی گفت: حلال آری، اما طیب نه!

* زنی نزد قاضی رفت و گفت: این شوی من حق مرا ضایع می سازد و حال آنکه من زنی جوانم. مرد گفت: من آنچه توانم کوتاهی نکنم. زن گفت: من به کم از پنج مرتبه راضی نباشم! مرد گفت: لاف نزنم که مرا بیش از سه مرتبه یارا نباشد! قاضی گفت: مرا حالی عجب افتاده است، هیچ دعوی بر من عرض نکنند مگر آنکه از کیسه من چیزی برود! باشد آن دو مرتبه دیگر را من بر گردن گیرم!!

* کسی مردی را دید که بر خری کُندرو نشسته. گفتش: کجا می روی؟ گفت: به نماز جمعه. گفت: ای نادان اینک سه شنبه باشد. گفت: اگر این خر شنبه ام به مسجد رساند نیکبخت باشم!

* روباه را پرسیدند که در گریختن از سگ، چند حیلله دانی؟ گفت: از صد فزون باشد! اما نیکوتر از همه اینست که من و او را با یکدیگر اتفاق دیدار نیفتد!

* روباهی عربی را بگریزد. افسونگر را بیاوردند. پرسید: کدام جانورت گزیده؟ گفت سگی، و شرم کرد بگوید روباهی. چون به افسون خواندن آغاز کرد گفتش چیزی هم از افسون روباه گزیدگی بدان در آمیز!

* مردی به زنی گفت: خواهم ترا بچشم تا دریابم تو شیرین تری یا زن من! گفت این حدیث از شویم پرس که وی من و او را چشیده باشد! /

آینده سیاسی مبهم پاکستان

های نواز شریف در راستای بهبود روابط سیاسی و اقتصادی با هند و حکومت آن زمان افغانستان، از عمران خان حمایت کرد. به این ترتیب، از سال ۲۰۱۳ حمایت نظامیان از عمران خان آشکار شده بود.

عمران خان در تقریباً چهار سال حکومتش با مشکلات زیادی روبه رو شد. بهای مواد اولیه بالا رفت و توانایی اقتصادی مردم کاهش یافته بر میزان فقر افزوده شد. ارتش مثل همیشه نقش قدرت مندی در سمت دهی تحولات سیاسی و امنیتی و مهندسی نتایج انتخابات داشته و روابط عمران خان با اردو در اواخر حکومتش خوب نبود. در سال ۲۰۱۹، پاکستان به خاطر عدم همکاری در مبارزه با منابع تمویل گروه های تروریستی در لیست خاکستری و به ویژه اقدام مالی FATF، شامل شد و این بر مشکلات اقتصادی و ورشکستگی پاکستان افزود.

پس از انحلال مجلس و در نتیجه پایان حکومت عمران خان، شهباز شریف و بعد از او انوار الحق کاکر صدراعظم تعیین گردیدند. اینان نیز گرهی از بحران اقتصادی و سیاسی کشور گشوده نتوانستند.

عامل اساسی بحران جاری در پاکستان ماجراجویی و حمایت حاکمان آن کشور از گروه های دهشت افکن بوده است. اردو و استخبارات پاکستان از جنگ جوانان نیابتی جهت پیش برد اهداف سیاسی استفاده کرده اند. آنان دهشت افکنان را برای جنگ به افغانستان و کشمیر در خاک خود پناه، آموزش و تجهیز می نمودند و مصارف کمر شکن را بر بودجه دولت و عواید ملی پاکستان تحمیل می کردند. هزاران مدرسه دینی افراطی به حیث منبع عسکرگیری و گسترش ذهنیت افراطی تاسیس شد، در نتیجه بیش تر رهبران گروه طالبان شاگردان مدارس پاکستانی بوده و خانواده های شان در پاکستان زنده گی می کنند. بالاخره با سر کار آمدن طالبان در افغانستان، استخبارات و اردوی پاکستان ظاهراً به بخشی از اهداف خود رسید، اما این اتفاق از هر جهت به دلخواه آنان تمام نشد. گرچه در آغاز تسلط طالبان بر افغانستان، عمران خان در استقبال از پیروزی طالبان گفت که «افغان هابند بر دگی را شکسته اند» (و رهبران استخبارات و اردوی آنکشور نیز آشکارا شکست حکومت غیر طالبانی را جشن گرفته بودند و برای تثبیت اداره طالبانی در منطقه لابی می کردند، اما این شور و هیجان اسلام آباد و راولپندی زیاد دوام نکرد.

در آغاز تشکیل امارت طالبان، حکومت عمران خان برای تثبیت حاکمیت آن گروه در افغانستان متخصصان بسیاری را در عرصه های مختلف به کابل فرستاد. سفر فیض حمید، رییس استخبارات نظامی آن کشور به کابل در جریان تنش های داخلی رهبری طالبان بر سر چوکی های اصلی دولت، یکی از حرکت های نمادین پاکستان برای اعلام نفوذ ویژه بر رهبری آن گروه بود.

تسلط طالبان بر افغانستان که مدعی شکست ابرقدرت جهانی و متحدانش هستند، روحیه افراط گرایان منطقه را تقویت کرد و الگویی برای تبلیغات و سربازگیری دیگر سازمان های افراطی شد که باور دارند از طریق کشتار و خشونت می توان دولت ها را فرو پاشید، ملت ها را به زانو در آورد و قدرت و ثروت را انحصار کرد. با آن که دولت پاکستان مشوق و حامی طالبانی سازی افغانستان بود و حاکمیت گروه را چون پیروزی سیاسی و استراتژیک جشن گرفت، اما تشدید حملات طالبان پاکستانی نشان داد که طالب پروری برای خود این کشور نیز خطرات جدی به همراه داشته و پیروزی استراتژیک توهمی بیش نبوده است. طالبان پاکستانی می خواهند در کل پاکستان یا حداقل بخشی از آن امارت طالبانی برپا کنند و برای این هدف همتایان افغان شان را الگو قرار داده با تکثیر دهشت افگنی و حملات تروریستی می خواهند اردوی پاکستان را به چالش بکشند و مردم آن کشور را به تسلیم و اطاعت وادارند.

از آنجایی که آن ها در افغانستان پناه گاه های امن دارند و امارت ملا هبت الله آنان را حمایت می کند، همان طوری که قبلاً امتیازات خاک پاکستان در اختیار طالبان افغان قرار داشت، لذا پاکستان دچار دردسر جدی شده است. اما با تاسف هنوز به

زن در شاهنامه

کنون من گشاده چنین روی وموی

سپاه از تو گردد پر از گفت و گوی

که بادختری او به دشت نبرد

بدین سان به ابر اندر آورد گرد

بهتر آن است که اجازه دهی برگردم، دروازه دژ را به رویت خواهم گشود و من با دژ و هر چه در آن هست از تو خواهد بود. گرد آفرید برگشت و بر بام دژ ایستاد و با تمسخر به سهراب که بیرون دژ منتظر بود گفت:

بخندید و آن گه به افسوس گفت

که ترکان ز ایران نیابند جفت

سهراب او را تهدید کرد:

که این باره با خاک پست آورم

ترا ای ستمگر به دست آورم

جو بیچاره گردی و بیجان شوی

ز گفتار هرزه پشیمان شوی

گرد آفرید گفت:

چنین رفت و روزی نبودت ز من

بدین درد غمگین مکن خویشتن

ترا بهتر آید که فرمان کنی

رخ نامور سوی توران کنی

سهراب سخت برافروخته شد و عزم کرد که فردا اول صبح

سپید دژ را با خاک یکسان کند. در نیمه آن شب گرد آفرید

و کسانش دژ را از راه های مخفی ترک کردند. روز دیگر که

سهراب به دژ حمله آورد کسی رانیافت. در عشق گرد آفرید شجاع

و زیبا درد می کشید و نالان بود، تا هومان که مرد عاقلی بود او را

پند ها داد که رسالت تو بالاتر از آن است که به خاطر دختری این

گونه به ناله یفتی:

فریب پری بیکران جوان

نخواهد کسی کاو بود پهلوان

سهراب پذیرفت و نصیحت گوی را سپاس گفت. (دنباله

دارد)

نظر نمی رسد که از گذشته تجربه گرفته باشد. هنوز از سوی مقامات پاکستانی موضعی دیده نشده است که حکایت از تغییر رویکرد آنان نسبت به افراط گرایی باشد. افراطیت ساری است و وقتی بر افغانستان تحمیل شود، کشورهای همسایه از آن بی اثر نخواهند ماند. شاید امروز گروه طالبان در کابل ادعا کنند که از افراطیان پاکستانی حمایت نمی کنند، ولی در عمل چنین نیست. آنان با هم روابط ناگستنی و منافع مشترک دارند. امروز حمایت طالبان از تحریک طالبان پاکستانی و دیگر گروه های دهشت افکن مخصوصاً القاعده یک واقعیت است. در نتیجه می توان گفت که پاکستان در حال سوختن در آتشی است که خودش در داده است. گمان نمی رود روی کار آوردن حکومت ملکی یا انتخابات بتواند جلو این بحران را که دامن گیر پاکستان شده بگیرد، و احتمال دارد چون گذشته وخامت اوضاع منجر به تشکیل حکومت نظامی گردد.

سرنگونی حکومت های ملکی به دست نظامیان در پاکستان قبلاً هم سابقه داشته است. سقوط حکومت ذوالفقار علی بوتو توسط ضیاء الحق در سال ۱۹۷۷ در آستانه بحرانی که پس از کودتای ثور در افغانستان آغاز شد، یکی از اتفاقات مشهور در تاریخ پاکستان بود که بر اوضاع افغانستان و منطقه نیز اثر گذاشت. پس از کشته شدن ضیاء الحق در سال ۱۹۸۸، بارها حکومت های ملکی از سوی نظامیان به چالش کشیده شده و سرنگون گردیده اند. اما این بار تفاوت این است که اردوی پاکستان محبوبیت نسبی اش را از دست داده و تامین ثبات برایش بسیار پرچالش شده است. عدم اعتماد مردم پاکستان به حاکمان و نبود چشم انداز روشن نسبت به آینده، اقبال مختلف را دچار مصیبت و بحران کرده است. روند خروج تحصیل کرده گان و نیروی کار از پاکستان سرعت گرفته است و گفته می شود تنها در نیمه اول سال قبل (۲۰۲۳ میلادی) بیش از ۸۰۰ هزار پاکستانی وطن خود را ترک گفتند. در نتیجه پاکستان در باتلاقی که حاکمان آن خلق کرده اند، فرو خواهد رفت. /